



- ۲۶ کتاب زیر از سوی مرکز مطالعات و پژوهش های فرهنگی حوزه ی علمیه قم به صورت e-book تهیه شده و در فضای اینترنت برای دانلود قرار گرفته است . بنابراین حق نشر این نسخه در فضای مجازی آزاد می باشد .
  - لیست ۲۶ کتاب ارائه شده :
- ۱- کلام جدید-۲- پلورالیزم دینی-۳- قانون اساسی و ضمانت های اجرای آن-۴- جوانان و روابط-۵- نهضت عاشورا-۶- جامعه علوی در نهج البلاغه-۷- جشن تکلیف-۸- پرسمان عصمت-۹- جوان و پرسش های اخلاقی-۱۰- آسیب شناسی مطبوعات ۱-۱۱- آسیب شناسی مطبوعات ۲-۱۲- آسیب شناسی مطبوعات ۳ - ۱۳- ایمان و چالشهای معاصر-۱۴- باطن و تاویل قرآن-۱۵- مجمع تشخیص مصلحت-۱۶- ولایت فقیه-۱۷- قلمرو دین-۱۸- اسلام و توسعه-۱۹- دین و آزادی-۲۰- تساهل و تسامح-۲۱- حجاب شناسی-۲۲- تفسیر علمی قرآن- ۲۳- دروس اخلاق قرآن-۲۴- جریان شناسی فکری معارضان قیام کربلا-۲۵- شرح چهل حدیث از حضرت مهدی (عج)-۲۶- دین و اقتصاد

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي  
خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ  
وَالَّذِي جَعَلَ مِنَ  
النَّارِ سَمُوكًا  
وَالَّذِي جَعَلَ  
الْقَمَرَ نُورًا  
وَالَّذِي جَعَلَ  
النَّجْمَ دُرًّا  
وَالَّذِي جَعَلَ  
الْجِبَالَ تَلًّا  
وَالَّذِي جَعَلَ  
الْبَحْرَيْنِ مِزَاجًا  
مُتَّصِلًا  
وَالَّذِي جَعَلَ  
الْمَاءَ حَلِيمًا  
وَالَّذِي جَعَلَ  
الْحَيَاةَ حَلِيمًا  
وَالَّذِي جَعَلَ  
الْمَوْتَ حَلِيمًا  
وَالَّذِي جَعَلَ  
الْحَيَاةَ حَلِيمًا  
وَالَّذِي جَعَلَ  
الْمَوْتَ حَلِيمًا  
وَالَّذِي جَعَلَ  
الْحَيَاةَ حَلِيمًا  
وَالَّذِي جَعَلَ  
الْمَوْتَ حَلِيمًا

## آشنایی با تفسیر علمی قرآن

مؤلف: جمعی از محققین مرکز مطالعات و پژوهش‌های فرهنگی حوزه علمی

تهیه کننده: مرکز مطالعات و پژوهش‌های فرهنگی حوزه علمی

ناشر: انتشارات مرکز مدیریت حوزه علمی قم

چاپ اول: ۱۳۸۱

قم، صندوق پستی ۳۷۱۸۵/۴۴۶۶ تلفن: ۷۷۳۷۲۱۷

مراکز پخش:

قم: مدرسه عالی دارالشفاء، انتشارات مرکز مدیریت حوزه علمی قم،

تلفن: ۷۷۴۸۳۸۳

قم: خ شهدا، ک ۱۹، پلاک ۴۵، مرکز مطالعات و پژوهش‌های فرهنگی

حوزه علمی، تلفن: ۷۷۳۷۲۱۷.

قم: خ آیت‌ا.. مرعشی نجفی، پاساژ قدس، شماره ۸۲، انتشارات

بنی‌الزهرا (س)، تلفن: ۷۷۳۲۷۳۰.

تهران: خ انقلاب، روبروی دبیرخانه دانشگاه، ساختمان امیرکبیر، (کتب

جیبی)، طبقه سوم، واحد نه، مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر،

تلفن: ۶۴۹۲۶۹۳

ارائه این نسخه از کتاب تهیه شده در فضای مجازی (اینترنت) مجاز می باشد

## فهرست مطالب

مقدمه	۵
تفسیر در لغت و اصطلاح	۷
تفسیر و کشف مراد خداوند	۸
مراد از علم در تفسیر علمی چیست؟	۹
روش‌های تفسیری	۱۰
اقسام تفسیر علمی	۱۴
معیار روش علمی	۱۶
معیار صحیح تفسیر علمی	۱۸
ادله‌ی موافقان تفسیر علمی	۲۲
ادله‌ی مخالفان تفسیر علمی و نقد آن	۲۴
هدف از مباحث علمی در قرآن	۲۸
اهداف و فواید وجودی آیات علمی قرآن چیست؟	۲۹
موضوع آیات علمی قرآن	۳۱
معنای اعجاز علمی	۳۵
معیار تشخیص اعجاز علمی	۳۵
ادله‌ی منکرین آیات علمی	۳۹
عدم استقبال از تفسیر علمی طنطاوی	۴۰
عوامل روی کرد به تفسیر علمی	۴۴
آثار مثبت و منفی تفسیر علمی	۴۵
کتابنامه	۴۶

بشر امروز همراه با تحولات جدید، پا به دوران نوینی گذاشته و با اندیشه‌ها و مکاتب جدیدی روبه‌رو شده است. اگر در گذشته سخن از الحاد و دین‌داری به میان می‌آمد، امروزه با تفسیر ملحدانه یا مؤمنانه از متون دینی روبه‌رو است. مسائل زبان‌شناسی، نشانه‌شناسی، پدیدارشناسی، هرمنوتیک و فلسفه‌ی زبان به شدت او را درگیر کرده است.

البته دین‌دارن و عالمان دینی، همواره در پی معنایابی متون دینی بوده‌اند و دانش مستقلی به نام علم تفسیر را، که از چگونگی دست‌یابی به معانی مدلول الفاظ قرآن سخن می‌گوید، راه انداختند؛ زیرا بر این باور بودند که خداوند متعال در نزول قرآن، مقصود و معنای خاصی را منظور داشته است و به تعبیر هرمنوتیک، نیت مؤلف در متن محفوظ است.

اهل تفسیر، روش‌ها و گرایش‌های گوناگونی در کشف مقصود شارع مقدس به کار برده‌اند. گرایش‌های مذهبی (شیعی، معتزلی، اشعری و...)، موضوعی (فقهی، ادبی، فلسفی، اجتماعی، تاریخی، علمی، سیاسی، تربیتی، عرفانی، اعتقادی و...) و نگارشی (موضوعی، تربیتی و مزجی) و نیز روش‌های قرآن به قرآن، روایی، اشاری و رمزی و عرفانی، عقلی و فلسفی، تفسیر به رأی و تفسیر علمی را مورد بحث قرار داده‌اند و هر یک از روش‌ها و گرایش‌ها که به تفسیر به رأی منجر می‌شود، از آن جهت که مراد متکلم را مخدوش سازد، مردود و نامشروع شمرده می‌شود.

به هر حال، تفسیر صحیح و مشروع از قرآن، به رعایت ضوابط و شرایطی نیاز دارد که تخطی از آنها، آدمی را به بی‌راهه می‌کشاند.

سیوطی در الاتقان می‌نویسد: روشن است که خداوند خلقش را به اموری که قابل فهم است، مخاطب قرار داده است؛ به همین جهت، هر رسولی را به زبان قومش ارسال، و کتابش را بر لغت آنها نازل می‌نمود؛ لکن علومی که به عنوان مبادی تفسیر مورد استفاده قرار می‌گیرند عبارتند از: لغت، نحو، علم تعریف، اشتقاق، معانی، بیان، بدیع، قرائت، اصول دین، اصول فقه، اسباب نزول قصص و اخبار، ناسخ و منسوخ و علم فقه و...

پس روشن شد که قرآن با این که به زبان عربی نازل شده و از واژگان عرفی در تبیین مراد خداوند متعال استفاده شده است، ولی از آن رو که معارف بلند و فراوانی در قالب الفاظ محدود جای گرفته و فاصله‌ی زمانی زیادی بین نزول قرآن و عصر حاضر تحقق یافته و نیز اصول و کلیات فراوانی در قرآن ذکر شده است، به تفسیر و رعایت ضوابط و قواعد مذکور نیازمند است. حال پرسش جدیدی که پیش‌رفت‌های علوم جدیدی برای مفسران به ارمغان آورده این است که آیا تئوری‌ها و فرضیه‌های علمی در تفسیر قرآن به مفسران مدد می‌رسانند یا این که تفسیر علمی از مصادیق تفسیر به رأی «و من فسّر القرآن برأیه فقد کفر» است. پاسخ دقیق و عالمانه به این پرسش، متوقف بر چستی تفسیر علمی و درک ضوابط و رعایت شرایط

آن است، که محققان فرزانه، حجج اسلام، آقایان دکتر رضایی اصفهانی و دکتر رفیعی بدان پرداخته‌اند.

در پایان بر خود فرض می‌دانم از مؤلفین محترم و نیز از حجج اسلام سید محمد علی داعی‌نژاد (معاونت تحقیقات)، سید محمد حسین میری (مدیر گروه قرآن) و حمید کریمی (مدیر پروژه‌ها) و هم‌چنین از مجریان، کارمندان، حروف‌نگاران، ویراستاران و سایر عزیزانی که در آماده‌سازی این اثر زحمت خالصانه کشیده‌اند، تقدیر و تشکر نمایم.

عبدالحسین خسروپناه

جانشین مرکز مطالعات و پژوهش‌های فرهنگی

حوزه علمی قم

## تفسیر در لغت و اصطلاح

با توجه به این که موضوع بحث ما تفسیر علمی است، تعریفی از واژه‌ی تفسیر بیان نمایید. لردکتر رفیعی: واژه‌ی تفسیر، دارای معانی لغوی متعددی است که بیش تر این معانی دارای وجه مشترک اند؛ از جمله: کشف، روشن نمودن، آشکار ساختن، پرده برداری، ایضاح، ابانه، تفصیل، شرح دادن و از این قبیل معانی که بسیار به هم نزدیک اند و همه‌ی این معانی در واقع به آشکار کردن و اظهار یک معنا و مفهوم برمی گردند؛ البته درباره‌ی ریشه‌ی لغت تفسیر، نظرهای مختلفی بیان شده است. برخی آن را از ماده‌ی «فسر» [1] و برخی از ماده‌ی «سفر» گرفته اند. [2] عده‌ای نیز، واژه‌ی تفسیر را لغت «دخیل» دانسته اند؛ یعنی از زبان دیگری وارد زبان عربی شده است. [3] به هر حال، واژه‌ی تفسیر یک بار در قرآن کریم استعمال شده است و به معنای روشن نمودن و آشکار ساختن است.

در ارتباط با معنای اصطلاحی تفسیر، برخی مطالبی را آورده اند که به بحث علوم قرآن بر می گردد؛ [4] مثل شناخت ناسخ و منسوخ و محکم و متشابه که مستقیماً با تفسیر ارتباط ندارند؛ اما مفسران تعاریف متعددی از معنای اصطلاحی تفسیر ارائه نموده اند؛ از جمله، علامه طباطبایی (ره) می فرماید:

تفسیر عبارت است از: بیان کردن معنای آیه‌های قرآن و پرده برداری از اهداف و مقاصد و مدلول آیات. [5]

مرحوم طبرسی (ره) دایره‌ی تفسیر را قدری محدودتر کرده و فرموده اند: الفاظ مشکل قرآن را تبیین کردن و مراد از آن را بیان کردن [6]. این معنای اصطلاحی با آن معنای لغوی «کشف، بیان و پرده برداری از آنچه مبهم است»، کاملاً تطابق دارد.

ii معنای اصطلاحی تفسیر با کدام یک از معانی لغوی آن سازگارتر است؟ لردکتر رفیعی: همه‌ی معانی لغوی تفسیر با معنای اصطلاحی مطابق اند؛ هم چنین خود معانی لغوی به معنای واحدی برمی گردند؛ یعنی در واقع همه‌ی لغویون به شکلی واژه‌ها را تغییر داده و الفاظ مشابه آورده اند؛ لکن معنای پرده برداری و شرح و ایضاح، که در لغت تفسیر آمده است، با معنای اصطلاحی آن تطابق بیش تری دارد.

تفسیر و کشف مراد خداوند

فرمودید: «کشف مراد از کلام خداوند»؛ در حالی که الفاظ می‌توانند چند نوع معنا را افاده کنند؛ مثل مراد استعمالی و مراد جدی. طبق تعریف شما، تلاش برای استخراج و کشف مراد استعمالی آیات (این که در لغت چه کاربردهایی دارند) جنبه‌ی تفسیری ندارد. آیا این نقض بر تعریف شما وارد است؟

دکتر رفیعی: کشف مراد جدی خداوند، یعنی بیان مقاصد و اهداف گوینده، بخشی از تفسیر است. در تفسیر آیه، ضمن تبیین الفاظ و کشف ابهامات، باید مراد گوینده نیز به دست آید؛ لکن نباید چیزی بر ظاهر آیه تحمیل شود. طبیعی است که منابعی برای تفسیر آیات در اختیار ماست؛ مثلاً اگر بخواهیم آیه‌ی «صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ» [Z] را تفسیر کنیم، در مرحله‌ی اول، واژه را معنا و تفسیر می‌کنیم تا اطلاعاتی از این آیه به مخاطب ارائه دهیم؛ سپس با قراردادن سایر آیات در کنار این آیه و با تبیین معانی لغوی و نیز احادیث و منابع و مدارک عقلی که در اختیار داریم، فهم و برداشت خود را از این آیه اظهار می‌داریم؛ اما ممکن است این معنا مراد جدی و قطعی خداوند نباشد و آیه معنای دیگری هم داشته باشد. طبیعی است که فقط تبیین یک مصداق برای هر آیه صحیح نیست؛ لکن لازم است آن مراد کاربردی روشن شود و اسمش هم مراد جدی گذاشته نشود.

دکتر رضایی: به نظر می‌رسد که در معنای تفسیر، سه عنصر اساسی وجود دارد: کشف ابهامات؛ همان طور که مرحوم طبرسی اشاره کرده‌اند: «کشف المراد عن اللفظ المشکل». [8] گاهی یک لفظ مشکل است، لکن باید معنایش روشن شود و ابهام لفظ برطرف گردد؛

۲. بیان مقاصد و اهداف گوینده؛ مثلاً حقیقت است یا مجاز؛

۳. اظهار این مطلب با قلم یا سخن؛ لذا گفته‌اند: باید عنصر کشف در تفسیر باشد و یک حالت مکاشفه داشته باشد؛ یعنی تا زمانی که مطلب در ذهن باشد تفسیر نیست؛ اگر بیان شود، تفسیر است؛ از این رو، چنانچه تفکر در قرآن صورت گیرد، ولی بیان نشود، هنوز به مرحله‌ی تفسیر نرسیده است. [9]

با یک مثال ساده مطلب تا حدودی روشن می‌شود؛ مثلاً خداوند خودش را در آیات قرآن، «سمیع و بصیر» معرفی کرده [10] و معنای لغوی و مراد استعمالی‌اش این است که خداوند حس شنوایی و بینایی دارد؛ اما وقتی دقت کنیم و قراین دیگری، مثل آیه‌ی (لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ) را در کنار این آیه بگذاریم یا با قراین عقلی بسنجیم، به این نتیجه می‌رسیم که مراد از سمیع و بصیر، علم به اشیا و مسموعات و مبصرات است، نه داشتن چشم و گوش؛ در نتیجه، می‌توان گفت که تفسیر عبارت است از: «تبیین مراد استعمالی و جدی آیات قرآن» که البته



این تفسیر باید بر اساس قواعد ادبیات عرب، اصول عقلایی محاوره و هم‌چنین با توجه به روایات اهل بیت (ع) صورت گیرد. [11]

### چیستی علم

مراد از علم در تفسیر علمی چیست؟

دکتر رضایی: در عبارت «روش تفسیر علمی» سه واژه‌ی «تفسیر» «روش» و «علم» را داریم که معنای تفسیر را تا حدودی روشن می‌کند. در این جا، مقصود از علم، همان علم تجربی است. بر اساس دیدگاه مشهور، علوم به چهار دسته تقسیم می‌شوند:

۱. علوم شهودی، مثل عرفان؛

۲. علوم نقلی، مثل تاریخ؛

۳. علوم عقلی، مثل ریاضیات، یا منطق؛

۴. علوم تجربی [12] که به دو شاخه تقسیم می‌شود: الف) علوم طبیعی، مثل پزشکی و شیمی؛ ب) علوم انسانی، مثل جامعه‌شناسی و روان‌شناسی.

آنچه مورد بحث است، این دو شاخه از علوم تجربی است؛ یعنی گاهی در تفسیر قرآن، برای روشن شدن مفاد یک آیه، از علوم تجربی، مثل فیزیک، علوم پزشکی و امثال آن استفاده می‌شود، که نتایج حاصل از آن را تفسیر علمی قرآن می‌نامند. پس مقصود از علم در این جا اصطلاح خاص (علوم تجربی) است، نه معنای منطقی علم که عبارت از تصورات و تصدیقات ذهنی است. [13]

مراد از علوم تجربی، اعتقاد و یقین مطابق با واقع نیست؛ بلکه آن چیزی است که از راه حسّ و تجربه به دست می‌آید و گاهی موجب روشن شدن مفاد آیات قرآن می‌گردد؛ مثلاً قرآن می‌فرماید:

وَ الشَّمْسُ تَجْرِي لِمُسْتَقَرٍّ لَهَا [14]؛ و خورشید که پیوسته به سوی قرارگاهش در جریان است. معمولاً واژه‌ی «تجری» را به معنای «حرکت» به کار می‌برند؛ در حالی که لازم است در این جا به یک نکته‌ی علمی و کیهان‌شناسی توجه شود، تا مفاد این آیه روشن گردد.

آیه‌ی شریفه می‌فرماید: خورشید در جریان است، نه این که خورشید حرکت می‌کند؛ «الشمس تحرک». گاهی حرکت گلوله را تحرک می‌نامیم؛ گلوله وقتی که حرکت می‌کند دیگر التهاب ندارد؛ اما وقتی آب در جوی حرکت می‌کند زیر و زبر می‌شود. عرب به حرکت

آب در جوی «تجری» می‌گوید؛ یعنی وقتی که آب در جوی وارد می‌شود زیر و رو می‌شود. امروزه دانشمندان در مباحث کیهان‌شناسی به این نتیجه رسیده‌اند که خورشید فقط حرکت نمی‌کند، بلکه در اثر انفجارات هسته‌ای مرتب مواد مذاب و گازی شکل بالا و پایین و زیر و زبر می‌شود؛ همانند آبی که در جوی حرکت می‌کند و در حال جریان است. [15] این یک نکته‌ی علمی است که تفسیر آیه را بیش‌تر روشن می‌کند؛ یعنی با توجه به علوم تجربی، فهم آیه برای ما آسان‌تر می‌گردد.

### روش‌های تفسیری

علاوه بر تبیین روش علمی، روش‌های دیگر و ملاک مجزا کردن این روش با روش‌های دیگر چیست؟

دکتر رضایی: در مباحث تفسیری گاهی «روش تفسیر» و گاهی «گرایش تفسیری» و، به زبان عربی، «منهج» یا «الوان» گفته می‌شود.

وقتی در تفسیر آیات قرآن از ابزار عقل استفاده کنیم و نتایجی به دست آید و مفهوم و مفاد آیه روشن شود، تفسیر عقلی است؛ هم‌چنین اگر با استفاده از روایات پیامبر اکرم (ص) یا ائمه‌ی اطهار (ع) همراه با مبانی ویژه‌ای که در مباحث روایات و حجیت خبر واحد است، مفاد آیه روشن شود، به این روش، روش تفسیر روایی گویند.

بنابراین، روش عبارت است از: استفاده کردن از ابزارهای خاصی برای تفسیر قرآن، با توجه به مبانی خاصی که نتایج ویژه‌ای را به دنبال داشته باشد. [16]

روش دارای اقسام زیادی است؛ مثل روش تفسیر عقلی، تفسیر علمی، تفسیر روایی و تفسیر قرآن به قرآن. در تفسیر علمی قرآن از ابزار علوم تجربی استفاده می‌کنیم؛ یا به تعبیر دیگر، استخدام علوم تجربی برای فهم آیات قرآن که نتایج مشخصی را هم به دنبال دارد؛ اما در گرایش‌های تفسیری وقتی که مفسر به خاطر سلیقه و علاقه‌ی خاص یا تخصص ویژه‌اش، از مطالبی هم‌چون فلسفه یا مطالب علمی بیش از حد در تفسیرش استفاده کند، ولو این که این‌ها را به عنوان ابزار به کار نبرد، گرایش تفسیری یا لون تفسیری می‌نامند؛ مثل تفسیر طنطاوی [17] که حجم مطالب علمی آن زیاد است؛ و یا تفسیر فخر رازی [18] که رنگ کلامی به خود گرفته است، هرچند ممکن است روش آن روش کلامی نباشد. روش و لون ملازمه‌ای با هم ندارند.

بنابراین، روش تفسیر قرآن یک بحث، و الوان و گرایش‌های تفسیری قرآن بحث دیگری است. به عقیده‌ی ما روش تفسیر علمی یک روش است نه یک رنگ؛ همان‌طور که روش تفسیر قرآن به قرآن روش خاصی است، چون نتایج مشخصی را به دنبال دارد.

این روش‌ها نیز تقسیم‌بندی شده‌اند؛ گاهی آن را براساس نوع چینش مفسر، به تفسیر ترتیبی یا تفسیر موضوعی و گاهی به تفسیر نقلی یا تفسیر اجتهادی تقسیم کرده و روش تفسیر نقلی را نیز به روش تفسیر قرآن به قرآن (مانند: المیزان) و روش قرآن به روایات تقسیم نموده‌اند. تفسیر قرآن به دو بخش تفسیر ناقص و تفسیر کامل یا اجتهادی تقسیم می‌شود و روش ناقص، به روایی و غیرروایی تقسیم می‌شود که روش غیرروایی شامل روش عقلی، علمی، عرفانی یا رمزی و امثال آن می‌شود. [19] البته بعضی قایل‌اند که می‌توان روش تفسیری را از جهت اعتبار به معتبر و غیرمعتبر تقسیم نمود؛ در نتیجه، دیدگاه‌های مختلف و تقسیمات مختلف بر مباحث خاصی وجود دارد.

لطفاً نظر خود را در این مورد و همچنین درباره‌ی اقسام تفسیر بیان کنید؟ دکتر رفیعی: بحث دکتر رضایی درباره‌ی روش‌ها کافی بود. به نظر بنده باید بین روش‌های تفسیری و گرایش و به تعبیر بعضی از متأخرین، اتجاها و اهتمامات تفسیری تفاوت گذاشت. گاهی مفسر با روش تفسیر قرآن به قرآن، یا روش قرآن به حدیث، یا تقسیم‌بندی‌های عقلی، نقلی و غیره وارد می‌شود؛ اما صبغه‌ای که دنبال می‌کند، صبغه‌ی فلسفی، یا کلامی یا اجتماعی یا اخلاقی است. طبیعی است که اگر ما این دو را تفکیک کنیم و روش را شیوه‌ای بدانیم، مفسر بهتر برای فهم و تبیین مراد آیات آن را به کار می‌برد؛ مثلاً، ابن عباس معتقد است که تفسیر بر چهار وجه است:

۱. وجهی که عرب آن را می‌فهمد؛

۲. تفسیری که هیچ کس نسبت به جهل آن معذور نیست و باید همگان آن را بدانند؛

۳. تفسیری که تنها علما و محققان آن را می‌دانند؛

۴. تفسیری که فقط خدا از آن آگاه است. [20]

در شیوه‌ی تفسیر هم برخی قایل‌اند که اگر در تمام آیات سریان داشته باشد، طبیعی است که دیگر روش نخواهد بود؛ متأخرین، در تقسیم‌بندی این‌ها را جزء اتجاها و اهتمامات [21] با گرایش‌ها، یا لونها آورده‌اند. [22]

اما یک دیدگاه این است که خود روش ناقص و کامل دارد؛ گاهی قابل سریان در همه‌ی آیات است و گاهی این طور نیست؛ کما این که در روش تفسیر قرآن به حدیث، شاید ما برای همه‌ی آیات حدیث نداشته باشیم، یا در تفسیر قرآن به قرآن برای همه‌ی آیات نتوانیم در خود قرآن پشتوانه‌ای بیابیم. بدیهی است که باید بین صبغه‌ی نظری مفسر و روش و شیوه‌ی او تفاوت گذاشت؛ مثل مرحوم طباطبایی که روش ایشان تفسیر قرآن به قرآن است، ایشان درباره‌ی روش تفسیر قرآن با قرآن می‌فرماید:

چه طور می‌توان پذیرفت که قرآن بیان همه چیز باشد، اما بیان خودش نباشد، با این که خدا درباره‌ی قرآن فرموده: «هُدًى لِّلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدَىٰ وَالْفُرْقَانِ»؛ [23] چگونه ممکن است

قرآن مایه‌ی هدایت و میزان سنجش خوب و بد و وسیله‌ی روشنی برای عالمیان باشد، ولی در موضوع فهم خود آیات قرآن که جهانیان احتیاج شدید به آن دارند، آنها را مستغنی نسازد! [24]

ایشان درباره‌ی نقص سایر روش‌های تفسیری می‌فرمایند:  
وقتی درست دقت می‌کنیم می‌بینیم تمام روش‌های تفسیری در این نقیصه مشترک‌اند که نتایج بحث‌های علمی یا فلسفی و غیر آن را از خارج گرفته و بر مضمون آیات تحمیل می‌کنند؛ لذا تفسیر آنها سر از تطبیق بیرون آورده است؛ روی همین جهت، بسیاری از حقایق قرآن را مجاز جلوه داده، و آیات را تأویل کرده‌اند؛ لازمه‌ی این طور تفسیرها این است که قرآنی که خود را «هُدًیً لِّلْعَالَمِینَ» و «نُورٌ مُّبِیْنٌ» و «تَبْیَانٌ لِّکُلِّ شَیْءٍ» معرفی می‌کند از جای دیگر روشنی بگیرد و وسیله‌ی هدایتی از خارج بگیرد و بالاخره محتاج چیزی دیگر باشد. راستی این چیز دیگر چیست و تا چه اندازه‌ای ارزش دارد و اگر اختلافی در آن واقع شد چه باید کرد؟ [25]

اما گاهی تفسیر، صبغهی فلسفی و یا صبغهی روایی و کلامی دارد؛ لذا بین این دو (روش و گرایش) باید فرق قایل شویم؛ لکن بعضی از مباحث، تا حدودی به الفاظ بر می‌گردد؛ در واقع آن شیوه‌ها و روش‌ها و الوان راه‌کارهای شخصی‌اند. هر کدام از این‌ها در یک تقسیم‌بندی، بر اساس سلیقه بوده است.

بنابراین، «روش» گاهی اوقات به خاطر خود معارف قرآن است و معارف قرآن دارای ابعاد مختلفی است؛ مانند بعد عقلی، بعد عرفانی و ابعاد علمی؛ یعنی خود قرآن این تنوع نگاه‌ها و روش‌ها را اقتضا می‌کند، نه این که چیزی از بیرون بر قرآن تحمیل شده و همه‌اش دید مفسر باشد، بلکه مقداری از آن هم اقتضائات علوم قرآنی است.

---

[1]. خلیل بن احمد فراهیدی، کتاب العین، ج ۳، ص ۱۳۹۵، و ابن فارس، معجم مقاییس، ج ۴، ص ۵۰۴.

[2]. بدرالدین زرکشی، البرهان فی علوم القرآن، ج ۲، ص ۱۶۳، و امین الخولی، التفسیر، ص ۵۹.

[3]. آرتور جفری، واژه‌های دخیل، ترجمه‌ی فریدون بدره، ص ۱۵۷.

- [4]. بدرالدین زرکشی، همان، ج ۱، ص ۲، ص ۱۶۳.
- [5]. علامه طباطبائی، تفسیر المیزان، ج ۱، ص ۷.
- [6]. امین الاسلام طبرسی، مقدمه‌ی مجمع البیان،
- [7]. سوره‌ی فاتحه‌ی کتاب، آیه‌ی ۷.
- [8]. امین الاسلام طبرسی، مجمع البیان، ج ۱، ص ۱.
- [9]. ر.ک: محمدعلی رضایی اصفهانی، درآمدی بر تفسیر علمی قرآن، ص ۳۸-۴۰.
- [10]. سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۲۲۴.
- [11]. ر.ک: سیوطی، الاتقان فی علوم القرآن، ج ۲، ص ۲۱۳.
- [12]. ر.ک: محمدعلی رضایی اصفهانی، همان، ص ۱۵۹.
- [13]. العلم هو حصول صورة‌ی الشیء عند العقل، (مظفر، المنطق، ص ۱۴).
- [14]. سوره‌ی یس، آیه‌ی ۳۸.
- [15]. حسین نوری، دانش عصر فضا، ص ۱۲۶.
- [16]. ر.ک: محمدعلی رضایی اصفهانی، همان، ص ۹۰.
- [17]. ر.ک: طنطاوی، الجواهر فی تفسیر القرآن.
- [18]. فخرالدین الرازی، تفسیر کبیر.
- [19]. ر.ک: محمدعلی رضایی اصفهانی، همان، فصل روش‌های تفسیری، ص ۹۰-۱۰۳.
- [20]. طبری، جامع البیان، ج ۱، ص ۳۴.
- [21]. مراد مبحثی است که مفسر در تفسیرش به آن اهتمام دارد، گاهی به دنبال توضیح قرآنی از طریق لغت است یا اعراب، یا... .
- [22]. جمعی از دانشمندان، العدد الاول، رسالة القرآن، ص ۱۸.
- [23]. سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۱۸۷.
- [24]. محمد حسین طباطبائی، همان، ج ۱، ص ۱۳.
- [25]. همان، ج ۱، ص ۹.

## اقسام تفسیر علمی

لطفاً اقسام تفسیر علمی را بیان فرمایید؟

دکتر رفیعی: گاه تفسیر علمی از باب استخدام و تأیید محتوای آیات و به شکل اعتدالی است که به آن تفسیر «علمی اعتدالی» می‌گوییم؛ مثلاً با استفاده از برخی مباحث روز، به تبیین آیاتی که متضمن برخی مباحث علمی است می‌پردازیم که این یک سبک و شکل است؛ به عنوان مثال، وقتی که قرآن می‌فرماید: «رَبُّ الْمَشْرِقَيْنِ وَ رَبُّ الْمَغْرِبَيْنِ» [1] اگر کسی بحث مشرق‌ها و مغرب‌های متعدد در این آیه را با کروی بودن زمین مرتبط بداند، این یک شکل «اعتدالی» است؛ نه آن که به محض شنیدن یافته‌های علمی، آیه را با آن مطابقت دهیم و در مقابل آن خاضع شویم و یا به طور صددرصد علوم را طرد نماییم و آن را با قرآن بیگانه جلوه دهیم.

شکل دوم، شکل افراطی است که برخی از تفسیرهای علمی به آن مبتلا هستند و آن، تطبیق آیات قرآن با یافته‌ها یا حتی فرضیه‌های علمی است. اگر کسی یک فرضیه علمی را یافت، سعی می‌کند در مقابل آن خاضع شود؛ و با هر لطایف الحیلی آیه را با آن ارتباط دهد. این همان مشکلی است که برخی، مثل طنطاوی، [2] فکری [3] و دیگران به آن مبتلا شده‌اند. مرحوم علامه طباطبایی (ره) این روش را نمی‌پسندند. ایشان می‌فرمایند:

نتایج بحث‌های علمی یا فلسفی و غیر آن را از خارج گرفته و بر مضمون آیات تحمیل می‌کنند و لذا، تفسیر آنها سر از تطبیق بیرون آورده است. روی همین جهت، بسیاری از حقایق قرآن را مجاز جلوه داده و آیات را تأویل کرده‌اند. [4]

خلاصه این که، تفسیر علمی را می‌توان به دو قسمت تقسیم نمود: الف) افراطی؛ ب) اعتدالی؛ که بخش افراطی همان تطبیق، و بخش اعتدالی، استخدام علوم و به‌کارگیری آن در تأیید محتوای آیات است.

دکتر رضایی: در مورد اقسام تفسیر علمی، دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارد؛ [5] به نظر ما روی کرد به تفسیر علمی، سه نوع است:

یک. گاهی برخی از مفسرین [6] خواسته‌اند علوم را از قرآن استخراج کنند و، در حقیقت، سخن آنها ناظر به آیاتی مثل «تَبَيَّنَّا لِكُلِّ شَيْءٍ» [7] بوده است؛ چون قرآن بیان‌کننده‌ی همه چیز است، پس همه‌ی مطالب باید در ظواهر قرآن وجود داشته باشد؛ مثلاً زرکشی در «البرهان» آورده است که برخی، از آیه‌ی شریفه‌ی «إِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زِلْزَالَهَا» [8] بر اساس حروف ابجد پیش‌بینی نموده‌اند که در سال ۷۰۲ زلزله‌ای صورت می‌گیرد و اتفاقاً چنین هم شد؛ و یا از آیه‌ی شریفه‌ی «إِذَا مَرِضْتُ فَهُوَ يَشْفِينِ» [9] آن‌جا که خداوند از قول حضرت ابراهیم (ع) نقل می‌کند که «وقتی من بیمار شدم اوست که شفا می‌دهد.» علم پزشکی را استخراج کرده‌اند [10] و از حروف مقطعه‌ی اوایل سوره‌ها علم جبر را استفاده کرده‌اند. [11]

روشن است که این روش، روش صحیحی نیست؛ زیرا همه‌ی علوم و ریزه‌کاری‌های علوم، ظرافت‌ها، فرمول‌های فیزیک، شیمی و غیره در ظواهر قرآن وجود ندارد و استخراج آنها از قرآن کاری بی‌ثمر و بی‌معناست.

دو. گاهی منظور از تفسیر علمی، تحمیل و تطبیق نظریه‌های علمی بر قرآن است؛ گاهی برخی از کسانی که به سراغ تفسیر علمی رفتند سعی کردند نظریه‌های اثبات شده‌ی علوم را به آیات قرآن تحمیل کنند؛ مثلاً عبدالرزاق نوفل، نویسنده‌ی معروف مصری، درباره‌ی آیه‌ی شریفه‌ی «هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَ جَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا» [12] می‌گوید:

«انفسکم»، یعنی پروتون، و «زوجها»، یعنی الکترون و «لیسکن الیها»، یعنی حالت آرامشی که بین این الکترون و پروتون برقرار شده و در نتیجه، این اتم از هم نمی‌پاشد و الکترون به طور مرتب به دور مرکز اتم که پروتون و الکترون است می‌چرخد. [13]

این سخن با ظاهر آیه و با معنای لغوی و اصطلاحی آیه سازگاری ندارد. روشن است که این روش نیز روش صحیحی نیست. علامه طباطبایی (ره) در مقدمه‌ی المیزان به مسئله‌ی تطبیق می‌پردازد و آن را رد می‌کند. و می‌فرماید:

این گونه تفسیر علمی در یک قرن اخیر در مصر و ایران رایج شد و موجب بدبینی بعضی دانشمندان مسلمان نسبت به مطلق تفسیر علمی گردید. [14]

سه. گاهی منظور از تفسیر علمی این است که ما برای فهم بهتر آیات قرآن از علوم استفاده کنیم؛ یعنی علوم را برای فهم بهتر آیات قرآن و روشن کردن و کشف معانی و مقصود خداوند تبارک و تعالی استخدام کنیم؛ به عبارت دیگر، هرچه علم بشر پیشرفت کند، موجب فهم بهتر برخی از آیات قرآن می‌شود، بدون این که قصد استخراج علوم را از قرآن داشته باشیم. مثلاً این آیه‌ی شریفه، مکرراً در قرآن کریم آمده است:

إِنَّمَا حَرَّمَ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةَ وَالدَّمَ وَلَحْمَ الْخَنزِيرِ...! [15] همانا خداوند، خون، میتة و گوشت خوک را بر شما حرام کرده است.

وقتی که علوم بشر پیشرفت می‌کند، روشن می‌شود که خوردن خون، مردار، خوک و شراب چه ضررهایی برای بشر دارد. این پیشرفت‌های علمی، موجب روشن‌تر شدن معنای این آیات و فلسفه‌ی حرمت می‌شود؛ یا وقتی که قرآن شریف می‌فرماید:

اللَّهُ الَّذِي رَفَعَ السَّمَاوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا [16] اشاره به این دارد که بین آسمان‌ها، ستون‌هایی است که نمی‌توان دید.

روایتی از وجود مقدس امام رضا (ع) در ذیل همین آیات وارد شده است:

ثُمَّ عَمَدٌ وَ لَكِنَّ لَا تَرَوْنَهَا؛ آن‌جا ستون‌هایی است؛ اما شما نمی‌بینید. [17]

این به چیزی مثل نیروی جاذبه و مانند آن اشاره دارد که ممکن است بعداً کشف شوند؛ لذا می‌توان یکی از مصادیق آن را نیروی جاذبه دانست.

قرآن در جایی دیگر می‌فرماید:

وَأَرْسَلْنَا الرِّيحَ لَوَاقِحَ [18]؛ و ما بادها را فرستادیم که عمل لقاح را انجام دهند. در این آیه لقاح (آبستن کردن) گیاهان به وسیله باد به روشنی بیان شده است و حال آن که بعد از قرن‌ها، علم بشر کشف کرده است که ابرها با بار مثبت و منفی در اثر برخورد با هم بارور می‌شوند؛ [19] بنابراین، این اشاره‌ی علمی قرآن، اولاً، ما را به این جا می‌رساند که نازل‌کننده‌ی قرآن از همه‌ی اسرار جهان اطلاع داشته است؛ ثانیاً، کشف‌های علمی، مثل نیروی جاذبه، توسط نیوتون و دیگران، مفادی از این آیات را برای ما روشن‌تر می‌کند، بدون این که نظریه‌ای را بر قرآن تحمیل و یا مطلبی خلاف واقع را از قرآن استخراج کنیم.

پس، تفسیر علمی به سه قسم تقسیم می‌شود:

۱. استخراج علوم از قرآن؛

۲. تحمیل و تطبیق بر قرآن (که این دو قسم از نظر ما صحیح نبود)؛

۳. استخدام علوم در فهم قرآن، که این روش صحیحی است.

#### معیار روش علمی

نظر خود را در مورد این تقسیم‌بندی و هم‌چنین معیار روش تفسیری قرآن بیان بفرمایید؟ دکتر رفیعی: به نظر بنده مبنای تقسیم‌بندی علمی، دو قسم افراطی و اعتدالی است. استخراج علوم از قرآن، مانند پیش‌بینی زلزله در سالی خاص، یک بحث علمی نیست تا اسم آن را تفسیر علمی بگذاریم؛ زیرا هر آیه‌ای را به صرف اشاره به حادثه‌ای، نمی‌توان به تفسیر علمی انطباق داد.

پس تفسیر علمی دو قسم است: یکی افراطی و دیگری اعتدالی. در تفسیر اعتدالی مفسر می‌کوشد آیاتی را برای تأیید یک یافته‌ی علمی از علوم تجربی و غیره، که علم بشر به آن رسیده است بیاورد و آن را در استخدام فهم بیش‌تر قرآن قرار دهد؛ مثلاً بحث زوجیت گیاهان در عالم هستی، [20] گرده‌افشانی و عمل لقاح در گیاهان، [21] نقش بادها در پیدایش ابر و باران، [22] کرویت زمین [23] و...، بین آیه‌ی قرآن و بحث علمی تطابق هم وجود دارد. این آیه، ضمن این که جنبه‌ی هدایتی دارد، می‌تواند معنایی علمی را هم در برداشته باشد. این همان تفسیر اعتدالی است که بین مفسران [24] رایج است.

قسم دوم، همان تطبیق و تحمیل یک نظریه یا فرضیه‌ی علمی به قرآن است که به نظر ما درست نیست؛ مانند: «طیراً ابابیل» که شیخ محمد عبده در تفسیرش می‌نویسد:



اعتقاد به این که پرنده‌ی مورد نظر از جنس پشه و مگس و حامل میکروب برخی از امراض بود و یا سنگ‌های سمی با باد به پای پشه و مگس چسبید و با نشستن این حیوانات روی افراد، آنان مسموم شدند و گوشت‌های بدنشان ریخت، امری بعید نیست. [25]

یا در تفسیر «دآبه» [26] به قمرهای مصنوعی [27] و در تفسیر «نفس واحده» [28] به پروتون [29] و در تفسیر «لوح محفوظ» [30] به «اتر» [31] و مواردی دیگر، نظریاتی را بر قرآن تحمیل کرده‌اند؛ اما به تعبیر بنده، استخراج علوم از قرآن، یا تطبیق و تحمیل است و یا در واقع، بحث اعتدال در تفسیر است و شق سومی در کنار این دو نمی‌تواند باشد.

با توجه به این نکته، عمده‌ترین بحثی که در روش تفسیر علمی باید به آن توجه شود و در واقع مخالفت‌ها و موافقت‌ها را به هم نزدیک می‌کند، سخنان مشترک آنهاست. مخالفین، لبه‌ی مخالفتشان روی کسانی است که این شرایط را رعایت نکردند و موافقین هم با شرایط تفسیر علمی می‌گویند حرفشان صحیح است. من ادله‌ی مخالفین و موافقین را بررسی نموده‌ام [32] این ادله را می‌توان با هم وفاق داد و آن وفاق همان بحث شرایط تفسیر علمی است.

دکتر رضایی: یک بحث در این است که تعریف تفسیر علمی بر کدام یک از این‌ها صادق است. آن تفسیر علمی‌ای که علم را به عنوان ابزار در خدمت قرآن قرار داده و علوم را برای فهم بهتر قرآن استخدام کرده است مورد تأیید ماست؛ در جایی که تحمیل نظریه یا استخراج باشد یا - به تعبیر دکتر رفیعی - افراط باشد، در حقیقت اصلاً تفسیر نیست؛ چون چیزی از مفاد آیه را روشن نکرده است، بلکه نظر خود را، به جای نظر خدا، بر آیه‌ی قرآن تحمیل کرده، یا نظریه‌ی یک دانشمند و یا یک نظریه‌ی علمی را به جای نظریه‌ی خدا نشانده است.

بنابراین، تعریف روشن تفسیر علمی، فقط بر همین قسم اخیر که قسم صحیحی است انطباق می‌یابد؛ اما یک نکته را نباید از نظر دور داشت و آن این که واژه‌ی «افراطی» یک واژه‌ی کلی است و حد و مرز مشخصی ندارد؛ خوب است که ما این واژه را تقسیم نماییم و اقسام آن را در نظر بگیریم.

گاهی ما چیزی را از بیرون بر قرآن تحمیل می‌کنیم و گاهی مطلبی علمی را از قرآن بیرون می‌کشیم - تطبیقی در درون قرآن انجام می‌دهیم - مثل همان کاری که «غزالی» در کتاب *الجواهر* کرده است و در کتاب *احیاء العلوم* نیز به آن اشاره دارد که:

در قرآن هفتاد و هفت هزار علم وجود دارد. [33]

هر یک از این‌ها دارای حد، مطلع، ظاهر و باطن است که ضرب در چهار می‌شود. این همه علوم، کجای قرآن وجود دارد که ما متوجه آن نمی‌شویم، یا ائمه (ع) بیان نکرده‌اند؟ بنابراین، این، قسمی از تفسیر ناصحیح علمی است و تحت ضوابط و معیارهای صحیح تفسیر

علمی قرار نمی‌گیرد. اگرچه هر دو، نوعی ایجاد ارتباط بین علم و قرآن است، اما یکی از بیرون است و دیگری از درون.

دکتر رفیعی: به نظر من، با پرداختن به مبحث معیارها، مطلب قدری روشن خواهد شد.

این که فرمودند: گاهی از درون و گاهی از بیرون؛ آیا تاکنون عالمی از درون قرآن، علمی را که در بیرون نیست استخراج کرده است؟ من فکر می‌کنم نوع بحث، لفظی است؛ یعنی علوم بیرونی‌اند و مفسر می‌خواهد برای آن از قرآن تأیید پیدا کند؛ اما غزالی که می‌گوید در قرآن هفتاد و هفت هزار علم وجود دارد، خود ایشان برای آن شاهدهی نیاورده است.

### معیار صحیح تفسیر علمی

معیار صحیح تفسیر علمی چیست؟

دکتر رفیعی: شاید بسیاری از اختلافات مخالفین و موافقین به معیار تفسیر علمی برگردد. برای

تفسیر علمی چند معیار لازم است: [34]

معیار اول رعایت قوانین تفسیر است که بعضی از این‌ها به مفسر و بعضی به متن برمی‌گردد. جناب سیوطی [35] برای مفسر قرآن پانزده شرط ذکر نموده است. علمای الازهر در یک اطلاعیه و زرقانی در کتاب مناهل العرفان یازده شرط ذکر نموده‌اند.

پس اولین معیار، رعایت شرایط مفسر است؛ گرچه شاید نتوان مستقیماً آن را معیار تفسیر علمی خواند؛ لکن وقتی که مثلاً یک عالم زیست‌شناسی که هیچ اطلاعی از لغت عرب، ادبیات عرب یا از فصاحت و بلاغت ندارد و قصد تفسیر علمی قرآن را دارد، این معیار مورد استفاده قرار می‌گیرد.

معیار دوم این است که به شأن و جایگاه قرآن توجه کنیم؛ یعنی مقام قرآن و نیز جایگاه شارع در تبیین قرآن آشکار گردد؛ آیا جایگاه قرآن، هدایت و رهاندن بشر از ضلالت و گمراهی است، یا تبیین مباحث فلسفی و علمی؟ در این باره قرآن می‌فرماید:

این کتاب، «هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ» [36] است؛ برای هدایت است، «يَهْدِي لِّلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ» [37]

است؛ به راهی که استوارترین راه‌هاست هدایت می‌کند.

قرآن با خطاب به پیامبر(ص) پنج هدف را در آیه‌ی زیر بیان می‌کند:

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا وَدَاعِيًا إِلَى اللَّهِ بِإِذْنِهِ وَسِرَاجًا مُنِيرًا [38]؛ ای پیامبر! ما تو را گواه فرستادیم و بشارت دهنده و انذار کننده و تو را دعوت کننده‌ی به سوی خدا، به فرمان او و چراغی روشنی بخش.

به عقیده‌ی ما اگر آیه‌ای اشاره‌ی علمی دارد، آن هدف اصلی نبوده، بلکه بیان آن به خاطر شأن هدایتی بوده است. وقتی قرآن ۱۴ قرن پیش به عنوان مثال می‌فرماید: «وَالشَّمْسُ تَجْرِي

لِمُسْتَقَرٍّ لَهَا» [39] درست است که این آیه اشاره‌ی علمی دارد، اما هدف از آن برداشت هدایت است؛ حال شما از «وَالشَّمْسُ تَجْرِي» پی به خالقش ببرید یا به توحیدش؛ لذا اغلب آیات علمی قرآن در پایان به مسئله‌ی توحید، معاد و هدف‌دار بودن خلقت برمی‌گردد؛ مثلاً در معرفی کافر می‌گوید:

کافر مثل کسی است که از جو بیرون رود و نتواند نفس بکشد. [40]  
درست است که این یک بیان علمی است که خارج از جو، اکسیژن نیست، ولی این در واقع در مقابل آیه‌ی «أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ» [41] و نیز نداشتن حیات معنوی کافر است. معیار سوم که شاید مختص باشد این است که، تکیه بر قوانین علمی قطعی است نه بر فرضیه‌ها و نظریه‌های حدسی؛ حال اگر مفسر بزرگواری به صرف احتمال دادن حیات در کرات دیگر، از آیه‌ی «يُرْسَلُ عَلَيْكُمَا شُوَاظٌ مِّنْ نَّارٍ وَنُحَاسٌ» [42] (خدا بر سر شما شراره‌های آتش و مس گذاشته فرود می‌آورد تا هیچ نصرت و نجاتی نیابید) استفاده‌ی حیات نماید و آن را کنایه از این بداند که در میان ساکنان کرات دیگر و کره‌ی زمین در آینده جنگی در می‌گیرد و آنها آتش بر سر زمینان می‌ریزند و این‌ها دفاع می‌کنند، این یک فرضیه یا نظریه است؛ یا مثلاً به بمب اتم یا ماهواره‌ها تعبیر کند، همان بحث افراطی است که لطمه می‌زند؛ لذا معیار سوم، تکیه بر قوانین علمی قطعی و پرهیز از فرضیه‌ها و نظریه‌هاست.

معیار چهارم که خیلی مهم است، ارتباط بین قانون علمی و آیه‌ی مورد نظر است؛ مثلاً می‌گوید آب «h2o» است و این مسلم است؛ اما از هر آیه‌ای می‌توان به عنوان پشتوانه برای این قانون علمی استفاده نمود؟ پس باید بین قانون علمی و آیه ارتباط باشد.

معیار پنجم این است که تعارضی بین تفسیر علمی و حقایق و مضامین قطعی شرعی نباشد.  
دکتر رضایی: از ظهور «پوپر» (حدود ۵۰ سال پیش) ما چیزی به عنوان «قانون» در علم نداریم و حتی ممکن است چیزی به عنوان «قطعیت» هم نداشته باشیم - البته بعضی منکرند - بنابراین، هرچه هست - به قول بعضی فیزیک‌دانان - افسانه‌های مفید است [43]؛ یعنی نظریه‌هایی که ما بر اساس آن هواپیما می‌سازیم و با آن مسافرت می‌کنیم؛ ولی این نظریه‌ها، ابطال پذیرند نه اثبات پذیر؛ به عبارت دیگر، این مطالب ممکن است هیچ وقت اثبات نشوند، بلکه مورد نقض قرار گیرند، ولی در عین حال تا وقتی که مفید و کارسازند از آن استفاده می‌کنیم و با آمدن نظریه‌ی بهتر، آن را جای‌گزین می‌کنیم.

ما در علم چیزی به عنوان قانون قطعی اثبات شده نداریم؛ همان‌طور که فرمودید، باید اولاً مسائل را به صورت غیرقطعی به قرآن نسبت داد؛ یعنی بگوییم که احتمالاً این آیه‌ی قرآن به نیروی جاذبه اشاره دارد. در کتابی [44] حدود ۳۰۰ مورد از آیات علمی قرآن را بررسی کردیم، شش مورد از اعجاز علمی قرآن را پذیرفتیم و ۲۹۴ مورد را رد کردیم؛ پس نباید

تئوری‌های ظنی را به طور قطعی به قرآن نسبت دهیم؛ البته برخی موارد ممکن است پشتوانه‌اش دلیل عقل یا بداهت حسی باشد؛ مثل حرکت زمین، در این موارد می‌توانیم به صورت احتمالی نسبت دهیم که به دام تفسیر به رأی نیفتیم، و تغییراتی که در علوم حاصل می‌شود به قرآن راه پیدا نکند و به تفسیر ما ضرر نزنند.

- 
- [1]. سوره‌ی الرحمن، آیه‌ی ۱۷.
  - [2]. ر.ک: الطنطاوی جوهری، الجواهر فی تفسیر القرآن.
  - [3]. ر.ک: علی فکری، القرآن ینوع العلوم و الفرقان.
  - [4]. محمدحسین طباطبایی، همان، ج ۱، ص ۷.
  - [5]. برای مطالعه بیش‌تر ر.ک: رضایی، همان، ص ۳۷۴-۳۸۰.
  - [6]. غزالی، جواهر القرآن، ص ۳۷، فصل خامس.
  - [7]. سوره‌ی نحل، آیه‌ی ۸۹.
  - [8]. سوره‌ی زلزال، آیه‌ی ۱.
  - [9]. سوره‌ی شعرا، آیه‌ی ۸۰.
  - [10]. غزالی، همان، ص ۲۷.
  - [11]. ذهبی، التفسیر و المفسرون، ج ۲، ص ۴۸۱.
  - [12]. سوره‌ی اعراف، آیه‌ی ۱۸۹؛ اوست خدایی که همه‌ی شما را از یک تن آفریده و از او نیز جفتش را مقدر داشت، تا به او انس و آرام گیرد.
  - [13]. عبدالرزاق نوفل، قرآن و العلم الحدیث، ص ۱۵۶.
  - [14]. محمدحسین طباطبایی، تفسیر المیزان، ج ۱، ص ۶.
  - [15]. سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۱۷۳.
  - [16]. سوره‌ی رعد، آیه‌ی ۲.
  - [17]. محمدحسین طباطبایی، همان، ج ۱، ص ۲۸۶، بحث روایی.
  - [18]. سوره‌ی حجر، آیه‌ی ۲۲.
  - [19]. عباسعلی سرفرازی، رابطه‌ی علم و دین، ص ۳۶.
  - [20]. سوره‌ی ذاریات، آیه‌ی ۴۹.
  - [21]. سوره‌ی حجر، آیه‌ی ۲۲.
  - [22]. سوره‌ی فاطر، آیه‌ی ۹.
  - [23]. سوره‌ی معراج، آیه‌ی ۴۰.

- [24]. محمد حسين طباطبائي، همان، ج ۱، ص ۷.
- [25]. محمد عبده، تفسير جزء عم، ص ۱۶۱.
- [26]. سوره نحل، آيه ۸۲.
- [27]. عبدالرزاق نوفل، القرآن و العلم الحديث، ص ۲۱۲.
- [28]. سوره اعراف، آيه ۷۱۹.
- [29]. عبدالرزاق نوفل، همان، ص ۱۵۵.
- [30]. سوره بروج، آيه ۲۱.
- [31]. محي الدين عجوز، معالم القرآن في عوامل الاكوان، ص ۳۸۹.
- [32]. براي مطالعه ييش تر ر.ك: ناصر رفيعي محمدى، تفسير علمي قرآن، ج ۲، ص ۱۷۳-۱۹۷.
- [33]. ابو حامد غزالي، احياء علوم الدين، ج ۱، ص ۳۶۱.
- [34]. ر.ك: ناصر رفيعي محمدى، همان، ج ۲، ص ۲۰۹ - ۲۳۸.
- [35]. جلال الدين سيوطي، الاتقان، ج ۲، ص ۳۹۷.
- [36]. سوره بقره، آيه ۲.
- [37]. سوره اسراء، آيه ۹.
- [38]. سوره احزاب، آيه ۴۶-۴۷.
- [39]. سوره يس، آيه ۳۸.
- [40]. سوره انعام، آيه ۱۲۵.
- [41]. سوره رعد، آيه ۲۸.
- [42]. سوره رحمن، آيه ۳۵.
- [43]. ر.ك: محمد علي رضايي اصفهاني، همان، بحث قطعيت علوم بشري و قانون.
- [44]. محمد علي رضايي اصفهاني، پژوهشي در اعجاز علمي قرآن.

ادله‌ی موافقان تفسیر علمی

دلیل موافقان تفسیر علمی قرآن چیست؟

دکتر رضایی: برخی با روش استخدام موافق‌اند و بسیاری از مفسرین و غیرمفسرین، مخالف این روش هستند؛ البته در هر روشی عده‌ای موافق‌اند و عده‌ای مخالف و دلایلی نیز برای موافقت و یا مخالفت دارند؛ ولی مسلماً در تفاسیر امروزی، شیعه و اهل سنت، به دلایلی، از این روش علمی زیاد استفاده می‌شود؛ حتی شاید بتوان گفت عدم استفاده از آن باعث نقصان در تفسیر می‌گردد.

دلیل اول کشفیات و یافته‌های قطعی علمی موجب روشن شدن معنای آیات می‌شود و این همان چیزی است که در اصطلاح به آن تفسیر گویند. «تفسیر» یعنی تبیین و توضیح مفاد آیات و نیز بیان اهداف خداوند از آنها؛ پس گاهی ناچاریم در بعضی آیات از یافته‌های علوم تجربی استفاده کنیم تا مفهوم آیه روشن شود؛ مثلاً آیات اول سوره‌ی حج و سوره‌ی مؤمنون، مسئله‌ی مضغه، علقه، مخلقه، غیرمخلقه و مراحلی که جنین در رحم مادر می‌گذراند را بیان می‌کند که با مراجعه به یافته‌های علم پزشکی معنای آنها روشن می‌گردند. نتیجه این که، یکی از دلایل موافقان این است که یافته‌های علوم تجربی می‌تواند کمکی در روشن تر شدن آیات قرآن باشد. برخی معتقدند حدود ۵۰۰ تا ۱۰۰۰ آیه، اشاره به علوم تجربی دارد.

قرآن برای همه‌ی انسان‌هاست و از جمله مخاطبان اولیه‌ی آن مسلمانان صدر اسلام بودند که از این یافته‌های علوم تجربی اطلاعی نداشته‌اند. آیا آنها واقعاً به روشنی مطالب را نمی‌فهمیدند؟ دکتر رضایی: دکتر ذهبی [1] به این نکته اشاره نموده و آن را جزو دلایل مخالفان تفسیر علمی بیان کرده است و آن این که آیا از ۱۱۰۰ سال قبل تا حال، این مفاهیم تغییر کرده است یا نه؟ ما این دلیل را در ضمن دلایل مخالفان پاسخ خواهیم داد.

این که فرمودید «فهم روشنی»، لازمه‌اش این است که، کسانی که از یافته‌های تجربی استفاده نکردند فهم روشنی نداشته باشند، در حالی که برخی تعبیر به تبیین دارند؛ به نظر شما کدام یک بهتر و درست است؟

دکتر رضایی: ما بر سر واژگان بحثی نداریم. آنچه که تفسیر نامیده می‌شود، تبیین آیات قرآن و روشن کردن مقاصد گوینده است؛ این هنر، از تفسیر علمی نیز برمی‌آید. تفسیر علمی نیز، همانند تفسیر قرآن به قرآن، موجب روشن شدن معنای آیات می‌شود. لزوماً این طور نبوده که مخاطبان قرآن در صدر اسلام، همه‌ی مطالب آن را متوجه شوند؛ زیرا قرآن سطوح مختلف مردم را در نظر می‌گیرد. گاهی بعضی از آیات خیلی عمیق‌اند؛ مثلاً در مورد آیات

اول سوره‌ی حدید، «هُوَ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ» و نیز سوره‌ی فاتحه، روایت داریم که این آیات را، مردم آخرالزمان [2] خواهند فهمید؛ لذا با گذشت زمان و رشد علمی بشر، یک سری تعبیرها و تفسیرهای جدید برای فهم بهتر آیه‌ها به وجود می‌آید. مسائل علمی قرآن نیز به همین صورت است. برخی از آیات قرآن اشارات علمی دارد، و تا زمانی که علوم پیش‌رفت نکند، بشر متوجه این اشارات نمی‌شود؛ مثلاً این که قرآن می‌فرماید: «شراب حرام است، چون ضرر آن بیش‌تر از نفع آن است» [3] ممکن است کاملاً برای افراد آن زمان مشخص نبوده باشد، ولی امروزه با کشف ضررهای متعدد شراب در زمینه‌های اجتماعی، پزشکی و روانی، مقصود آیات بهتر روشن می‌گردد.

دلیل دوم: کشفیات جدید و قانون‌های ثابت شده‌ی علمی و یافته‌های قطعی تجربی می‌تواند اعجاز علمی قرآن را اثبات کند؛ یعنی یکی از ابعاد اعجاز قرآن، اعجاز علمی آن است. قرآن حدود ۱۴۰۰ سال قبل مطلبی را بیان کرده است که بشر آن روز - با توجه به علوم تجربی خود - نمی‌توانست آن را بفهمد و بعدها این مطلب کشف شد.

بنابراین، این مطلب نشان می‌دهد که قرآن معجزه است؛ البته در این زمینه ادعاهای افراطی و نیز استفاده‌های غلط و مخالف شده است، ولی اصل قضیه صحیح است، هرچند موارد آن کم باشد.

فرهنگ علمی آن زمان به مواردی هم‌چون نیروی جاذبه، [4] مسئله‌ی حرکت خورشید و جریان آن، [5] حرمت شراب، [6] زوجیت گیاهان [7]، مراحل خلقت انسان، [8] مسئله‌ی لقاح و آستن شدن گیاهان و ابرها، و... [9] نرسیده بود و الآن به آن رسیده‌اند و این دلیلی بر اعجاز علمی قرآن است.

دلیل سوم: وقتی مخاطب قرآن متوجه شود که قرآن، اشاراتی علمی بالاتر و جلوتر از فکر بشر داشته است، ایمانش به قرآن و اسلام عمیق‌تر و زیادتر می‌شود. ما به وضوح متوجه می‌شویم که نسل جوان مخاطب قرآن، شیفته‌ی این نوع تفسیرند. پس باید مواظب باشیم، تا به دام تفسیر به رأی و تحمیل نظریات بر قرآن نیفتیم.

آیا این که در برخی موارد اثبات اعجاز علمی قرآن موجب اشتیاق و ازدیاد ایمان افراد می‌شود به دلیل قبلی بر نمی‌گردد؟

دکتر رضایی: این نتیجه‌ی همان دلیل قبلی است. طرف‌داران تفسیر علمی این را یکی از دلایل تفسیر علمی می‌دانند؛ البته گاهی اعجاز اثبات می‌شود و گاهی نمی‌شود. در مواردی که اعجاز اثبات نمی‌شود، باز هم شگفتی‌ها و اشارات علمی قرآن، یک نوع شوق و شادی برای افراد، مخصوصاً برای متخصصین، ایجاد می‌کند و علاقه‌ی آنها را به قرآن و دین زیادتر می‌کند؛ مثلاً برای پزشک‌ها نکات پزشکی قرآن گفته می‌شود.

دلیل چهارم: گاهی نکات علمی قرآن موجب جذب غیرمسلمان‌ها به طرف قرآن و اسلام می‌شود؛ پس تلاش در این زمینه، یک نوع ترویج اسلام است؛ چون برخی از افراد این راه را رفته‌اند و کتاب‌هایی هم در زمینه‌ی اشارات علمی قرآن نوشته‌اند؛ مثلاً دکتر «موريس بوكای» فرانسوی، در کتاب تورات، انجیل، قرآن و علم، [10] که چندین بار به فارسی و عربی ترجمه شده است، اعجاز علمی قرآن را با تورات و انجیل و علوم روز مقایسه نموده و ایمان خود را به قرآن ابراز کرده است. آیا درست است ما در این زمینه تلاش نکنیم و اعجاز علمی قرآن را بررسی ننماییم؟ ما می‌توانیم با بیان اعجاز علمی قرآن حقایق و برتری آن را بر کتاب تورات و انجیل به اثبات برسانیم. ما باید از بُعد علمی قرآن، برای جذب دیگران به طرف اسلام و اثبات حقایق قرآن و اسلام استفاده کنیم. البته بسیاری از تفاسیر رایج و موجود - چه شیعی و چه سنی - از روش علمی استفاده نموده‌اند؛ مثل تفسیر نمونه و المیزان.

#### ادله‌ی مخالفان تفسیر علمی و نقد آن

دلایل مخالفان روش تفسیر علمی چیست؟

دکتر رضایی: مشهورترین مخالفان تفسیر علمی، آقای شاطبی، [11] دکتر ذهبی، [12] شیخ محمد شلتوت [13] و... هستند که دلایل متعددی آورده‌اند.

دلیل اول: قرآن کتاب هدایت است، پس هدف آن، هدایت بشر به سوی کمال، خدا، و دین است، نه بیان مسائل علمی؛ زیرا اولاً، قرآن، کتاب فیزیک، شیمی و پزشکی نیست، تا این گونه مطالب از آن استخراج شود. در حقیقت تفسیر علمی قرآن، ما را از هدایت معنوی و اخلاقی و اعتقادی بازمی‌دارد؛ ثانیاً، این طریق موجب تأویل قرآن به صورت تحمیلی می‌شود که این تأویلات با اعجاز قرآن و ذوق سلیم ناسازگار است؛ ثالثاً، علم، ثبات و قرار و سخن قاطع ندارد؛ چه بسا امروز چیزی ثابت می‌شود و فردا خلاف آن اثبات می‌گردد؛ این موجب ورود خطاهای علوم به قرآن می‌شود و ما در مقام دفاع قرار می‌گیریم.

پاسخ دلیل اول: این حرف درستی است که قرآن کتاب هدایت است، منتها گاهی در راستای همان هدف، قرآن از اشارات علمی استفاده کرده است و این اشارات، انسان را به طرف خدا رهبری می‌کند و هدف اصلی هم نیست.

قبلاً گفته شد که تفسیر علمی سه قسم است: ۱. استخراج علوم از قرآن؛ ۲. تحمیل نظریات بر قرآن؛ ۳. استخدام علوم در فهم بهتر قرآن. اگر کسی بخواهد علوم مختلف را از قرآن استخراج کند و قرآن را کتاب فیزیک، شیمی و پزشکی قرار دهد، کار اشتباهی است و ما نیز با آن مخالفیم. آنچه که ما از آن دفاع می‌کنیم، استخدام علوم در فهم قرآن است.

دلیل دوم: علوم تجربی قطعی نیستند، بلکه نظریه‌هایی تغییرپذیرند که بعد از مدتی از میدان علم خارج می‌شوند؛ لذا به طور قطعی نمی‌توان روی این نظریات حساب باز کرد و قرآن را



بر اساس آن تفسیر نمود؛ مثلاً تفسیر قرآن بر اساس هیأت بطلموسی فخر رازی [14] که از آیه‌ی شریفه‌ی «الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ فِرَاشًا» [15] ساکن بودن زمین را استفاده می‌نمود، با هیأت جدید - هیأت کوپرنیکی و کپلر - نمی‌سازد؛ زیرا این نظریه و تفسیر دگرگون می‌شوند؛ بنابراین، تغییرات علوم بر حوزه‌ی تفسیر قرآن وارد می‌شود و در حقیقت، قرآن با نظریه‌های تغییر پذیر و متزلزل تفسیر می‌گردد و در نتیجه، تضادها و تغییرات علوم در حوزه‌ی قرآن و تفسیر نیز راه می‌یابند.

پاسخ دلیل دوم: این که بگوییم علوم تجربی در حال تغییرند، در اصل سخن خوبی است و ما حق نداریم نظریه‌های علمی را با قرآن تطبیق بدهیم. البته ما تفسیر علمی را به سه نوع تقسیم کردیم و این اشکال به نوع دوم (تحمیل نظریات بر قرآن) وارد است؛ یعنی اگر کسی نظریات اثبات نشده‌ی علمی را بر قرآن تحمیل کند، این اشکال به آن وارد است؛ اما در جایی که از علوم قطعی استفاده شود، چنانچه به صورت قطع روان‌شناختی، دیدگاه‌هایی که به وسیله‌ی حس تأیید شده‌اند، یا اجماع دانشمندان بر آن است و با دلایلی عقلی پشتیبانی می‌شود را به صورت احتمالی به قرآن نسبت دهیم اشکالی بر آن وارد نیست. می‌دانیم که زوجیت در عالم موجودات مسئله‌ای قطعی است و ظاهر آیات قرآن [16] نیز دلالت بر مسئله‌ی زوجیت می‌کند، پس احتمالاً قرآن می‌خواهد همین زوجیت را که امروزه در جهان علم مطرح است برای ما بیان کند. اگر ما نظریه‌های اثبات نشده‌ی علمی را بر ظواهر قرآن تحمیل و تطبیق کنیم، این اشکال بر آن وارد است. پس اصل آن را می‌پذیریم، ولی اگر شیوه‌ی صحیح تفسیر علمی انجام شود، در این صورت این اشکال وارد نمی‌شود؛ چون بسیاری از مفسرین علمی به همین اشکال دچار شدند؛ مثل فخر رازی و متأخرین که در ۱۰۰ ساله‌ی اخیر زیاد به این دام افتادند؛ ولی این وقتی است که معیارهای صحیح تفسیر علمی رعایت نشود. همان‌طور که شما در تفسیر قرآن هم ممکن است به دام تفسیر به رأی بیفتید، این جا هم ممکن است به دام تفسیر به رأی یا تطبیق یا تحمیل بیفتید.

دلیل سوم: تفسیر علمی، منجر به تفسیر به رأی می‌شود؛ یعنی متخصصان علوم مختلف، با ورود به حوزه‌ی تفسیر، آیات قرآن را با مسائل علمی تطبیق می‌کنند و به علت نداشتن تخصص کافی در علوم قرآنی و تفسیری و عدم تشخیص تفاوت نص و ظاهر، یافته‌های تجربی را به قرآن تحمیل می‌کنند؛ مثلاً بمب اتم را از آیه‌ی «و الْمُرْسَلَاتِ عُرْفًا فَالْعاصِفَاتِ عَصْفًا» [17] استخراج می‌کنند، [18] و یا در سوره‌ی فیل مقصود از آمدن ابابیل را، بیماری وبا و حصبه تلقی می‌نمایند. [19] این روش دارای معیارهای تفسیر علمی نیست و موجب می‌شود تفسیر علمی به تفسیر به رأی و تحمیل نظریات تبدیل شود.

پاسخ دلیل سوم: این دلیل خوب است؛ اما باز این اشکال به روش تفسیر علمی نیست، بلکه اشکال به کسانی است که بدون تخصص وارد این روش شده‌اند. آنها باید کار خود را زیر نظر افراد خبره انجام دهند تا به تفسیر به رأی منتهی نشود؛ هم‌چنان که در تفسیر قرآن به

قرآن هم اگر افراد غیر متخصص، قرائن عقلی و نقلی را در نظر نگیرند، موجب تفسیر به رأی می‌شود؛ لکن در حوزه‌ی تفسیر علمی این مسئله بیش‌تر بوده است؛ چون متخصصان علوم مختلف - که تخصص در تفسیر قرآن نداشته‌اند - به صرف علاقه، وارد این حوزه شده و مشکلات بیش‌تری به وجود آورده‌اند.

دلیل چهارم: تفسیر علمی منجر به تأویل می‌شود؛ مثلاً موافقین و مخالفین نظریه‌ی داروین یا نظریه‌ی تکامل انسان و حیوانات، آیه‌ی ۵۹ سوره‌ی آل عمران و آیه‌ی ۱۱ سوره‌ی صافات، را که موافق و مخالف نظریه‌ی خودشان بوده است، تأویل کرده‌اند. کسانی که طرفدار نظریه‌ی داروین بودند، وقتی که وارد آیات قرآن می‌شدند، آیاتی را که ظهورشان مخالف نظریه‌ی داروین بود را تأویل می‌کردند؛ [20] هم چنین بالعکس. [21] این هم صحیح است؛ اما این اشکال به مفسر است نه به تفسیر علمی.

دلیل پنجم. تفسیر علمی ذوقی است و معیاری ندارد؛ در حالی که ما تفسیر قرآن به قرآن را دارای معیار می‌دانیم. [22] مخالفان تفسیر علمی قایل‌اند که تفسیر علمی، معانی قرآن را مجاز می‌کند. ما باید در معنا کردن آیات به صدر اسلام رجوع کنیم؛ در صدر اسلام چیزی به‌عنوان الکترون و پروتون نداشتیم؛ اما عبدالرزاق [23] نوفل در آیه‌ی شریفه‌ی «خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا...» [24] آنفُسُكُمْ را به معنای پروتون و أزواجاً را به معنای الکترون گرفته است؛ در حالی که این الفاظ در آن موقع چنین مفاهیمی نداشت و مخاطب چنین چیزی را از آن نمی‌فهمید.

پاسخ دلیل پنجم: این اشکال در جایی وارد است که ما مفاهیم جدید علمی را بر آیات قرآن تحمیل کنیم؛ اما اگر از قطعیات علوم برای روشن شدن آیه استفاده کنیم، نه تحمیل است و نه تطبیق. در آن زمان علم به الکترون و پروتون وجود نداشته تا ما بخواهیم آن را از آیات قرآن بیرون بکشیم؛ لکن با یافته‌های جدید پزشکی می‌توان آیه‌های اول سوره‌ی حج و مؤمنون را که در بیان مراحل خلقت جنین است توضیح داد. ما قایلیم که آیه‌ی شریفه‌ی «دَلَالَتْ بِرِجْلِهَا عَلَى سِدْرٍ مِثْلِ عَمَدٍ بَيْنَ الْمَرْجِلَيْنِ لَتَذُقْنَهَا يَا أَعْيُنَ النَّاسِ وَنُنَبِّئُكَ بِمَا فِي سِدْرِهَا» [25] رَفَعَ السَّمَاوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا» دارد. امروزه علم، به این ستون‌های نامرئی که کرات آسمانی را در حوزه‌ی هم‌دیگر نگه می‌دارد و به درون هم‌دیگر می‌چرخاند و مانع خروج آن از مسیر می‌شود، نیروی جاذبه می‌گویند. امروزه نیز «عمد» به معنای ستون است و به همین معنا، تفسیر و ترجمه می‌شود؛ لکن یکی از مصادیق آن نیروی جاذبه است، نه این که به معنای نیروی جاذبه است. البته افرادی مثل عبدالرزاق نوفل و دیگران که در تفسیر علمی به انحراف رفته‌اند، زیاده‌روی کرده و خواسته‌اند مفاهیم را بر قرآن تحمیل کنند. این عمل درست نیست و موجب مجازیت معانی قرآن می‌شود و قرآن اصلاً تحمل چنین چیزی را ندارد؛ بنابراین، تفسیر علمی موجب تبیین و توضیح و یافتن مصادیق تازه‌ای برای آیه می‌شود و فهم ما را نسبت به آیه روشن‌تر می‌کند.

دلیل ششم: تفسیر علمی موجب می‌شود که مفسر، نظریات و یافته‌های مورد نظر خود را بر قرآن تحمیل و تطبیق نماید. این اشکال به یک قسم از تفسیر علمی وارد است، نه هر سه قسم آن؛ یعنی تحمیل نظریه‌ها بر قرآن صحیح نیست، اما استخدام علوم در فهم قرآن درست است.

دلیل هفتم: تفسیر علمی موجب مادیگری و انحرافات فکری در سطح جامعه می‌شود. البته این اشکال خوبی است، ولی اشکال به تفسیر علمی نیست، بلکه اشکال به مفسرینی است که به انحراف رفته‌اند.

- 
- [1]. التفسیر و المفسرون، ج ۲، ص ۴۹۱.
  - [2]. حویزی، نورالثقلین، سوره‌ی حدید، آیه‌ی ۱.
  - [3]. إِنَّهُمَا أَكْبَرُ مِنْ نَفْعِهِمَا، سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۲۱۹.
  - [4]. سوره‌ی رعد، آیه‌ی ۲ و سوره‌ی لقمان، آیه‌ی ۱۰.
  - [5]. سوره‌ی یس، آیه‌ی ۳۸.
  - [6]. سوره‌ی محمد، آیه‌ی ۱۵.
  - [7]. سوره‌ی یس، آیه‌ی ۳۶.
  - [8]. سوره‌ی حج، آیه‌ی ۱۵.
  - [9]. سوره‌ی حجر، آیه‌ی ۲۲.
  - [10]. ترجمه‌ی مهندس ذبیح الله، تهران، ج ۳، ص ۳۳۸.
  - [11]. ر.ک: ابواسحاق شاطبی، الموافقات، چاپ مصطفی.
  - [12]. ر.ک: محمد حسین ذهبی، همان.
  - [13]. ر.ک: محمد شلتوت، تفسیر القرآن الکریم.
  - [14]. فخرالدین رازی، تفسیر کبیر، ذیل آیه‌ی ۲۲ سوره‌ی بقره.
  - [15]. سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۲۲.
  - [16]. سوره‌ی یس، آیه‌ی ۳۶.
  ۱. سوره‌ی مرسلات، آیه‌ی ۱ و ۲.
  - [18]. سید قطب، تفسیر فی ظلال قرآن، ج ۶، ص ۳۷۹، جزء ۲۹.
  - [19]. محمد عبده، تفسیر جزء عم، ص ۱۶۱.
  - [20]. آیت الله مشکینی، تکامل از دیدگاه قرآن، ص ۱۷.
  - [21]. مسیح مهاجری، نظریه‌ی تکامل از دیدگاه قرآن، ص ۵۴.
  - [22]. ر.ک: محمد علی رضایی اصفهانی، درآمدی به تفسیر علمی قرآن، ص ۳۸۲.
  - [23]. عبدالرزاق نوفل، القرآن و العلم الحدیث، ص ۱۵۶.
  - [24]. سوره‌ی اعراف، آیه‌ی ۱۸۹.
  - [25]. سوره‌ی رعد، آیه‌ی ۲.

وجود این که قرآن کتاب هدایت است و انبیای الهی نیز برای هدایت انسان‌ها به سوی معنویت و خداوند آمده‌اند، می‌بینیم که بعضی از آیات قرآن کریم به مباحث علمی پرداخته‌اند؛ هدف از وجود این آیات در قرآن کریم چیست؟

دکتر رضایی: این سؤال از سؤالات اساسی در روش تفسیر علمی است. درباره‌ی اهداف آیات و مسائل علمی قرآن، سه تصور می‌توان نمود:

۱. هدف اصلی قرآن، بیان مسائل علمی آن است و همه‌ی علوم و معارف بشری در قرآن وجود دارد؛ همان‌طور که قرآن می‌فرماید:

نَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ [1]؛ قرآن بیان‌کننده همه چیز است.

۲. هدف اصلی قرآن هدایت بشر است، اما در راستای این هدف می‌توان از اشارات علمی نیز استفاده نمود؛ بدین صورت که پیامبر (ص) می‌فرماید: «تَبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ» است، اما قرینه‌ی لُبِّی دارد که اگر یک پزشک گفت من یک کتاب آورده‌ام که همه چیز در آن است، مقصود از همه چیز، مربوط به پزشکی است. پیامبر اسلام (ص) وقتی که طبق آیه‌ی شریفه می‌فرمود: خداوند قرآنی بر ما نازل کرده که بیان‌کننده‌ی همه چیز است، مرادش بیان همه‌ی چیزهایی است که مربوط به دین، در راستای هدف قرآن و هدایت بشر می‌باشد. استفاده از آیات علمی نیز در راستای همین هدف است؛ مثلاً در آیه‌ی «اللَّهُ الَّذِي رَفَعَ السَّمَاوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلٌّ يَجْرِي لِأَجَلٍ مُّسَمًّى» [2] مسائل مختلفی را مطرح می‌کند؛ بعد در آیه‌ی «وَهُوَ الَّذِي مَدَّ الْأَرْضَ» [3] مسائل مربوط به این که آسمان‌ها را بدون ستون برافراشتیم که عده‌ای به نیروی جاذبه حمل کردند و نیز مسئله‌ی حرکت خورشید و ماه، مسئله‌ی زمین و کوه‌ها را مطرح می‌کند و بعد می‌فرماید:

إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ. [4]

این‌ها برای این است که شما تفکر کنید، از نشانه‌های حضرت حق به وجودش پی ببرید. پس اشارات علمی قرآن، در راستای هدف اصلی هدایت بشر به سوی خدا، دین و قیامت است؛ هم چنین در آیه‌ی دیگر می‌فرماید:

لَعَلَّكُمْ بَلِقَاءِ رَبِّكُمْ تُوقِنُونَ [5] این نشان‌ها برای این است که شما به لقاء پروردگارتان در قیامت ایمان پیدا کنید.

۳. اشارات علمی قرآن به نحو سمبلیک و بر اساس فرهنگ زمان مطرح شده است. در قرآن این اشارات علمی، حالت معرفت‌شناختی یا حالت سمبلیک دارد و ناظر به عالم خارج نیست. به عقیده‌ی ما این دیدگاه صحیح نیست؛ زیرا اگر قرآن صحبت از علم می‌کند، در حقیقت قصد گسترش معرفت بشر و توضیح خارج و واقعیت خارجی را دارد، در حدی که

پیش‌گویی‌های علمی‌اش، اعجاز علمی به شمار می‌آید. پس در حقیقت، هدف اصلی قرآن هدایت بشر است و باید از اشارات علمی قرآن استفاده کرد.

### اهداف و فواید وجودی آیات علمی قرآن چیست؟

دکتر رفیعی: آقای رضایی مطالب را از سه منظر مطرح کردند که من سعی می‌کنم کمی آن مطالب را باز کنم. بدون تردید، تعدادی از آیات قرآن کریم، به‌طور مستقیم یا ضمنی، متضمن مباحث علمی است. وقتی این آیات در کنار سایر آیات قرار گیرد، یقیناً مباحث علمی مطلوب بالذات قرآن نیست، بلکه هدف دیگری را دنبال می‌کند. با یک تقسیم‌بندی می‌توان اهداف آیات علمی در قرآن را به دو بخش تقسیم نمود:

الف) اهداف اصلی؛ ب) اهداف فرعی. آقای دکتر رضایی، هدایت را جنبه‌ی اصلی گرفتند، در حالی که می‌توان آن را به موضوعات فرعی تقسیم کرد. شاید بتوان سه هدف را در مورد آیات الهی بیان کرد.

هدف اول و اصلی از آیات علمی در قرآن کریم - که در این هدف، سایر آیات علمی مشترک‌اند؛ مثل آیات فقهی و آیات اخلاقی - اثبات وجود خدای متعال و توحید است. [6] بسیاری از مباحث علمی وقتی در قرآن مطرح می‌شوند، در پایان این نکته را تذکر می‌دهند که پس آفریننده‌ی این‌ها کیست؟ ببینید که موجد این‌ها کیست؟ آیا دست بشر می‌تواند در آن دخالت کند؟ به عنوان مثال، در سوره‌ی مبارکه‌ی آل عمران می‌فرماید:

إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَ اخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لآيَاتٍ لِّأُولِي الْأَلْبَابِ. [7]

نقل شده است که رسول خدا این آیات را، مخصوصاً در شب، زیاد می‌خواند و گاهی هم می‌فرمود:

وَيْلٌ لِّمَنْ قَرَأَهَا وَ لَمْ يَتَفَكَّرْ فِيهَا؛ وای بر کسانی که این پنج آیه را بخوانند (۹۱ تا ۹۵ آل عمران) و در آن تفکر نکنند.

میثم تمار نیز نقل می‌کند:

می‌دیدم مولایم علی (ع) شب‌هایی به آسمان نگاه می‌کرد و این پنج آیه را می‌خواند و اشک می‌ریخت.

قرآن کریم بعد از این که به آسمان‌ها و زمین و اختلاف شب و روز اشاره می‌کند، می‌فرماید: «رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا...» این برای پی بردن به باطل نبودن آفرینش است. از آیه‌ی «سُبْحَانَكَ قَبْلَنَا عَذَابُ النَّارِ» پی‌می‌بریم که چه کسی آفرینش را ایجاد کرده است. سوره‌ای در قرآن یافت نمی‌شود - به خصوص سوره‌های مکی - مگر این که در آن به عالم هستی و تأمل در نظم و خلقت اشاره یا تصریحی شده است، تا عقل بشر را برای تفکر در خلقت الهی تحریک کند؛ آن‌گاه از مخلوق به خالق، از طبیعت به ایجادکننده‌ی آن، از مسبب به سبب و از مصنوع به صانع پی‌برد. خدای متعال فکر بشر را به سوی دقیق‌ترین، عظیم‌ترین، کوچک‌ترین و

بزرگ‌ترین امور هستی فرا می‌خواند و این، آن چیزی بود که اعراب (صدر اسلام) به فطرت سلیم اعتراف کردند. [8]

هدف دوم: که باز هم یکی از اهداف اصلی است این است که آیات علمی برای اثبات معاد و هدف‌دار بودن خلقت آمده‌اند؛ مثل آیه:

فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ مِمَّ خُلِقَ خُلِقَ مِنْ مَّاءٍ دَافِقٍ يُخْرَجُ مِنْ بَيْنِ الصُّلْبِ وَ التَّرَائِبِ إِنَّهُ عَلَى رَجْعِهِ لِقَادِرٌ. [9]

که بعد از مطرح کردن بحث آفرینش، می‌فرماید: «خداوند به بازگردانیدن همه‌ی آفرینش قادر است»؛ یعنی بحث معاد را از آن نتیجه می‌گیرد.

كَيْفَ تَكْفُرُونَ بِاللَّهِ وَ كُنتُمْ أَمْوَاتًا فَأَحْيَاكُمْ ثُمَّ يُمِيتُكُمْ ثُمَّ يُحْيِيكُمْ ثُمَّ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ؛ [10] چگونه شما به خدا کفر می‌ورزید؛ همان‌طور که شما را به این جهان آورد، مجدداً شما را از قیامت یا پس از برزخ بر می‌گرداند.

هدف سوم این‌که، آیات علمی در ردّ عقیده‌ی کفار و مشرکان و ماده‌پرستان است؛ کسانی که می‌گفتند که هر چه هست همین دنیا است. «ما هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا»؛ [11] چیزی جز این دنیا نیست. «وَ مَا يُهْلِكُنَا إِلَّا الدَّهْرُ»؛ [12] همین روزگار است که ما را می‌میراند. بخشی از آیات علمی، به تحقیر این عقیده‌ی مشرکان پرداخته، می‌فرماید:

شما جمع بشوید می‌توانید حتی یک مگس را بیافرینید؟ شما فکر کنید و ببینید آیا می‌توانید شبیه آن را ایجاد کنید؟ [13]

خلاصه این‌که، اهداف آیات علمی قرآن به دو بخش تقسیم شد: اهداف اصلی و اهداف فرعی. در اهداف اصلی سه هدف (توحید معاد و رد تحقیر کفار و مشرکین) مطرح شد. (البته می‌توان هر سه عنوان را در یک عنوان کلی مثل هدایت گرفت؛ یعنی هدایت به خداوند، به معاد، به ماوراء الطبیعه). در بخش اهداف فرعی نیز می‌توان یک هدف را توجه بشر به بعد علمی‌اش دانست. خداوند در قرآن کریم گله می‌کند و می‌فرماید:

وَ كَايُنُ مِنْ آيَةٍ فِي السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ؛ چه نشانه‌هایی در آسمان و زمین است! «يَمُرُّونَ عَلَيْهَا»؛ بعضی از کنارش رد می‌شوند «وَ هُمْ عَنْهَا مُعْرِضُونَ»؛ و حال آن‌که آنها از آن روی برمی‌گردانند. [14]

منظور از توجه در آیه‌ی «أَفَلَا يَنْظُرُونَ إِلَى الْإِبْلِ كَيْفَ خُلِقَتْ [15]» نگاه ظاهری به شتر نیست، بلکه خرد شدن و دقت در مباحث علمی است؛ یعنی این موضوع دارای چه ویژگی‌ای است که خداوند در قرآن به نظر و تفکر و تأمل در آن توجه می‌دهد. پس یک هدف فرعی، توجه به جنبه‌های علمی، برای پی بردن به آن است؛ یعنی جنبه‌های علمی، طریقی برای هدف اصلی است. وقتی قرآن کریم به یک نکته‌ی علمی اشاره می‌کند و یا وقتی که پیامبر گرامی اسلام (ص) گله می‌کند و می‌گوید: «وَيْلٌ لِمَنْ قَرَأَهَا وَ لَمْ يَتَفَكَّرْ فِيهَا»؛ وای بر کسانی که آیات سوره‌ی آل عمران را بخوانند و تفکر نکنند، منظور از تفکر چیست؟ پی بردن به بعد علمی

آیه یک هدف است. هدف فرعی دیگر، بحث اعجاز است. وقتی که قرآن کریم می‌فرماید: ده سوره مثل این قرآن بیاورید، [16] و در جای دیگر می‌فرماید: یک سوره بیاورید، [17] لازمه‌اش این است که این قرآن مشتمل بر جنبه‌های مختلف اعجاز است، یکی از آنها اعجاز علمی است که بزرگان و علما ذکر کرده‌اند. [18]

پس می‌توان گفت اهداف اصلی آیات علمی قرآن، توحید، معاد، توجه به ماوراء الطبیعه و نفی عقیده‌ی مشرکان، و اهداف فرعی آیات - که کمک به اهداف اصلی است - شامل بررسی آیات، تطبیق آن‌ها بر یافته‌های علمی و یقینات و پی‌بردن به اعجاز علمی قرآن می‌شود.

رَد کتر رضایی: یکی از فواید اشارات علمی قرآن، توجه بیش‌تر انسان به طبیعت است. وقتی که قرآن می‌فرماید: «أَفَلَا يَنْظُرُونَ إِلَى الْإِبْلِ كَيْفَ خُلِقَتْ.» [19]

انسان را به طبیعت، بر خلقت خودش و به جنینی که در شکم مادر است توجه می‌دهد. این باعث دقت بیش‌تر مسلمانان در این مسائل و رشد علوم تجربی در بین آنان می‌شود. شاید بسیاری از مسائل علمی قرآن، موجب انگیزه‌ای در مسلمانان برای شناخت بهتر حیوانات و دیگر موجودات شدند؛ مثلاً علم پزشکی، مسئله‌ی نجوم و مسائل کیهان‌شناسی در بین مسلمانان بسیار رشد نمودند.

#### موضوع آیات علمی قرآن

آیات قرآن به موضوعات مختلفی پرداخته است؛ محورهای اصلی این آیات چه‌طور ترسیم شده است؟ آیا تقسیم بر اساس موضوعات مختلف است یا چیز دیگر؟

دکتر رضایی: در بخش آیات علمی قرآن بین ۵۰۰ تا ۷۰۰ آیه را بر شمرده‌اند که به مسائل علمی اشاره دارند؛ لکن در بعضی از این آیات اختلاف است؛ زیرا در این آیات، محورهای مختلفی وجود دارد. به نظر من بر اساس موضوع آیات می‌توان آنها را به محورهای مختلف تقسیم نمود؛ مثلاً بعضی از آیات قرآن، مربوط به جهان و کل هستی، آسمان‌ها و پیدایش آسمان‌هاست و بعضی در مورد این که در آستانه‌ی قیامت چه اتفاقاتی در جهان خواهد افتاد. قرآن به نکات ریز علمی‌ای که امروز در مسائل کیهان‌شناسی مطرح است و در مورد پیشینه و فرجام جهان، به مسئله‌ی زمین و کره‌ی زمین، مسئله‌ی جاذبه‌ی زمین؛ در خصوص انسان (خلقت، مراحل جنین، عجایب وجود انسان و غذاهای مورد استفاده‌ی انسان)، در اثبات یک مسئله مثل زوجیت گیاهان [20] غذاهای حرام، [21] غذاهای نجس [22]، مسئله‌ی بهداشت و نیز در مورد غسل به عنوان شفا [23] و گاهی به کوه‌ها پرداخته است:

و تَرَى الْجِبَالَ تَحْسِبُهَا جَمَادَةً وَ هِيَ تَمْرٌ مَّرَّ السَّحَابِ؛ [24] کوه‌ها را می‌بینید فکر می‌کنید که ایستاده است، در حالی که مثل ابر در حال حرکت هستند.

رَد کتر رفیعی: در تعداد آیات علمی قرآن اختلاف است و تا هزار آیه هم ذکر شده است. در گذشته، بیش‌ترین آیات علمی مورد توجه، آیات مربوط به هیأت و نجوم [25] بود. آیات علمی قرآن را می‌توان به دو بخش تقسیم نمود:

۱. آیات هستی‌شناختی و طبیعت‌شناختی؛ ۲. آیات زیست‌شناختی. مقصود از آیات هستی‌شناختی و طبیعت‌شناختی آیاتی است که درباره‌ی مظاهر هستی و طبیعت‌اند. بخش عمده‌ای از آیات علمی به بحث هستی‌شناسی و طبیعت‌شناسی مربوط‌اند که محورهای آنها درباره‌ی آسمان و زمین در موارد زیر می‌باشد:

آفرینش آسمان‌ها و زمین، [26]

ماده‌ی اصلی آسمان، [27]

بالا بردن آسمان بدون ستون، [28]

گسترش آسمان‌ها، [29]

فقدان اکسیژن در ارتفاعات، [30]

بنای آسمان در نهایت استحکام، [31]

موجودات زنده در آسمان‌ها، [32]

کرویّت زمین، [33]

وجود گازها در مورد زمین، [34]

دوران آفرینش زمین، [35]

نقصان زمین، [36]

حرکت زمین و خورشید، [37]

وجود مواد سنگین در درون زمین، [38]

تغییر آسمان و زمین و فنای آن. [39]

هم‌چنین موارد دیگر هستی‌شناسی عبارت است از:

خورشید و ماه، [40] کوه‌ها، [41] ابر و باران، [42] باد [43] و دریاها. [44]

۲. بخش علوم زیست‌شناسی است که این‌ها نیز چند دسته‌اند: گیاهان، [45] حیوانات، [46]

انسان [47] و مباحث و آیات طبی. [48]

---

[1]. سوره‌ی نمل، آیه‌ی ۸۹.

[2]. سوره‌ی رعد، آیه‌ی ۲.

[3]. سوره‌ی رعد، آیه‌ی ۳.

[4]. سوره‌ی رعد، آیه‌ی ۳.



- [5]. سوره‌ی رعد، آیه‌ی ۲.
- [6]. عبدالله شحاته، تفسیر الایات الکوئیه، ص ۳۰.
- [7]. سوره‌ی آل عمران، آیه‌ی ۱۹۰.
- [8]. عبدالله شحاته، همان، ص ۳۰.
- [9]. سوره‌ی طارق، آیه‌ی ۵ - ۸.
- [10]. سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۲۸.
- [11]. سوره‌ی جاثیه، آیه‌ی ۲۴.
- [12]. همان.
- [13]. سوره‌ی حج، آیه‌ی ۷۳.
- [14]. سوره‌ی یوسف، آیه‌ی ۱۰۵.
- [15]. سوره‌ی غاشیه، آیه‌ی ۱۷.
- [16]. سوره‌ی هود، آیه‌ی ۱۳.
- [17]. سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۲۳.
- [18]. کتب فراوانی در زمینه‌ی جنبه‌های اعجاز قرآن تألیف شده است؛ از جمله: اعجاز بیانی از نظر فصاحت و بلاغت؛ اعجاز از نظر اشتمال بر معارف الهی؛ اعجاز از نظر فقدان اختلاف در آن؛ اعجاز از نظر قانون گذاری؛ اعجاز در اخبار از غیب؛ اعجاز در تبیین فلسفی هستی؛ اعجاز از بیان اخبار و تاریخ گذشتگان؛ اعجاز از نظر ایجاز و اطناب؛ اعجاز در بیان اخبار علمی و اسرار هستی.
- [19]. سوره‌ی غاشیه، آیه‌ی ۱۷.
- [20]. سوره‌ی نمل، آیه‌ی ۸۹.
- [21]. سوره‌ی یس، آیه‌ی ۳۶.
- [22]. سوره‌ی مائده، آیه‌ی ۳.
- [23]. سوره‌ی نحل، آیه‌ی ۶۶.
- [24]. سوره‌ی نحل، آیه‌ی ۶۹.
- [25]. حافظ ابراهیم، الاشارات العلمیه فی القران الکریم، ص ۵. و ابوحامد غزالی، احیاء العلوم، ج ۱، ص ۲۸۹.
- [26]. سوره‌ی سجده، آیه‌ی ۴؛ سوره‌ی فصلت، آیه‌ی ۱؛ سوره‌ی رعد، آیه‌ی ۲ و سوره‌ی ق، آیه‌ی ۶.
- [27]. سوره‌ی فصلت، آیه‌ی ۱۱.
- [28]. سوره‌ی رعد، آیه‌ی ۲.
- [29]. سوره‌ی ذاریات، آیه‌ی ۴۷.
- [30]. سوره‌ی انعام، آیه‌ی ۱۲۵.

- [31]. سورهی ق، آیهی ۶.
- [32]. سورهی شوری، آیهی ۲۹.
- [33]. سورهی زمر، آیهی ۵.
- [34]. سورهی نازعات، آیهی ۳۰.
- [35]. سورهی فصلت، آیهی ۱۰۹.
- [36]. سورهی رعد، آیهی ۴۱.
- [37]. سورهی نمل، آیهی ۸۸.
- [38]. سورهی زلزله، آیهی ۱ - ۲.
- [39]. سورهی ابراهیم، آیهی ۴۸.
- [40]. سورهی ابراهیم، آیهی ۳۳؛ سورهی یونس، آیهی ۵ و سورهی نمل، آیهی ۱۲.
- [41]. سورهی سباء، آیهی ۷ و سورهی مرسلات، آیهی ۲۸.
- [42]. سورهی مؤمنون، آیهی ۱۸.
- [43]. سورهی حجر، آیهی ۲۲.
- [44]. سورهی نمل، آیهی ۱۴ و سورهی فرقان، آیهی ۵۳.
- [45]. سورهی طه، آیهی ۵۳؛ سورهی رعد، آیهی ۴؛ سورهی یس، آیهی ۸۰؛ سورهی یس، آیات ۳۳ - ۳۵؛ سورهی نمل، آیهی ۶۰ و سورهی انعام، آیهی ۹۹.
- [46]. سورهی نحل، آیات ۵ - ۸؛ سورهی مؤمنون، آیهی ۲۲؛ سورهی نمل، آیهی ۶۶؛ سورهی ملک، آیهی ۱۹؛ سورهی نمل، آیهی ۶۸ و سورهی نمل، آیهی ۹۹.
- [47]. سورهی مریم، آیهی ۲۸؛ سورهی طارق، آیهی ۵. سورهی مؤمنون، آیهی ۱۴؛ سورهی قیامت، آیهی ۳.
- [48]. سورهی اعراف، آیهی ۳۱؛ سورهی بقره، آیهی ۲۳۳؛ سورهی مائده، آیهی ۳ و سورهی مریم، آیهی ۲۵.

اعجاز علمی به چه معناست؟ آیا قرآن کریم علاوه بر این که از نظر اعجاز ابعاد مختلفی دارد، از نظر علمی هم دارای اعجاز است یا نه؟ آیا کسی منکر این بعد از اعجاز قرآن می‌باشد؟ دکتر رضایی: قرآن کریم در آیات متعددی در رابطه با اعجاز علمی قرآن و رابطه‌ی آن با تفسیر علمی مردم را به مبارزه می‌طلبد و به اصطلاح «تحدی» می‌کند؛ هم‌چنان که می‌فرماید:

وَإِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِمَّا نَزَّلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِثْلِهِ؛ [1] اگر شما بر آنچه به پیامبر اسلام نازل کرده‌ایم شک می‌کنید، یک سوره مثل آن بیاورید.

برخی از مفسرین [2] معتقدند که این یک دعوت عام و شامل ابعاد گوناگونی است؛ یعنی همان‌طور که قرآن کریم از نظر فصاحت و بلاغت و بیان قوانین معجزه است، از لحاظ مسائل علمی و رازگویی‌های علمی نیز معجزه است. قرآن از زوجیت عام [3] سخن می‌گوید (همه چیز به صورت زوج است) در صدر اسلام کسی از این مطلب اطلاعی نداشت، هر چند که در مورد زوجیت گیاهان مطالبی می‌دانستند؛ و این نشانه‌ی رازگویی و اعجاز قرآن است که چند قرن بعد، این مطلب کشف شده است. قرآن می‌فرماید:

ما از هر چیزی زوج آفریدیم. [4]

نکته این که، بعضی از موارد تفاسیر علمی، منتهی به اعجاز علمی قرآن می‌شود. اعجاز علمی یعنی اولاً، آیه گزاره یا مطلب علمی‌ای را در مورد مسائل طبیعت بیان کند (مثل: آسمان‌ها، زمین، گیاهان و روابط پدیده‌های طبیعی)؛ ثانیاً، راز آگین باشد، یعنی در زمان صدر اسلام کسی از آن اطلاعی نداشته باشد؛ پس اگر چیزی با این دو خصوصیت باشد، اعجاز علمی قرآن نامیده می‌شود. [5]

معیار تشخیص اعجاز علمی

دلایل و ملاک‌های تشخیص آیات اعجاز علمی چیست؟

دکتر رضایی: همان‌موردی که در بحث تفسیر علمی بیان کردیم، در این جا نیز وجود دارد؛ یعنی هر اعجاز علمی‌ای ناچاراً نوعی تفسیر علمی نیز هست. در این جا بسیاری از شرایط تفسیر علمی رعایت نشده است؛ علاوه بر آن، بعضی از مطالبی را که اعجاز دانسته‌اند اعجاز نیستند؛ مثل حرکت زمین. [6] در یونان قبل از اسلام، نظریه‌هایی در مورد حرکت زمین وجود داشته است، همان‌طور که در هیأت بطلمیوسی، سکون و مرکزیت زمین مطرح بوده است؛ لذا نمی‌توان آن را اعجاز دانست. چیزی اعجاز علمی است که قبل از اسلام سخنی از آن گفته نشده، یا کسی از آن اطلاع نداشته و بعدها کشف شده باشد؛ مانند نیروی جاذبه که از این آیه به دست آمد:

رَفَعَ السَّمَاوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا؛ خداوند آسمان‌ها را با ستون‌هایی که دیدنی نیست، آفرید. یکی از مصادیق آیه را می‌توان نیروی جاذبه گرفت؛ زیرا ما این آیه را ناظر بر مطلب علمی می‌دانیم که قرن‌ها بعد از ظهور اسلام کشف شده است، پس این آیه یک اعجاز و رازگویی قرآن است.

با توجه به این که در صدر اسلام ارتباطات به این نحو نبوده است، یعنی اگر مطلبی در یونان کشف می‌شد، شاید به عربستان نمی‌رسید و برای آنان کشف نمی‌شد، و این که قرآن توسط یک فرد امّی آورده شده است، آیا می‌توان ضمیر در «من مثله» را به پیامبر (ص) برگرداند و این آیه را جزء آیات اعجاز علمی قرار داد؟

دکتر رضایی: اگر اثبات شود که مثلاً علم به حرکت زمین از یونان به عربستان منتقل نشده، این ادعا صحیح است و آیه اعجاز علمی است؛ لکن اگر کسی به عنوان مخالف ادعا نماید که احتمال دارد این سخنان توسط کاروان‌های تجاری‌ای که به شام رفت و آمد داشته‌اند به گوش پیامبر (ص) رسیده و ایشان نیز آن را بیان کرده‌اند، این مورد اعجاز علمی را از بین می‌برد؛ اما مواردی را که یقیناً قبل از اسلام مطرح نشده و به عربستان نرسیده است، می‌توان اعجاز علمی قرآن دانست.

در مورد ضمیر «مثله» نیز مفسران احتمال داده‌اند که به قرآن یا به «پیامبر (ص)» برگردد؛ ولی آن، بُعد دیگر اعجاز است که معارف بلند از فردی امّی صادر شود.

با توجه به این بیان که اعجاز قرآن، یعنی آنچه که قرآن فرموده است، در آن زمان مطرح نبوده، نمی‌توان نتیجه گرفت که با کشف تدریجی مباحث علمی، در آینده بگوییم قرآن اعجاز علمی ندارد؟

دکتر رضایی: اعجاز علمی هر موضوع، با توجه به تاریخ کشف علمی و تاریخ نزولی قرآن است؛ یعنی اگر قرآن هزار و چهارصد سال قبل، از نیروی جاذبه‌ای سخن گفت که نیوتن در قرن هفدهم کشف کرد، این اعجاز همیشه معجزه است و کهنه و تمام نمی‌شود. هر کشف تازه‌ای نیز همین گونه است.

قبل از کشف جاذبه‌ی نیوتن، این مسئله، از طرف قرآن توسط پیامبر (ص) اعلان شده بود، که این اعجاز قرآن را اثبات می‌کند و لازم نیست که این عدم اطلاع از جاذبه‌ی نیوتن، بعد از نیوتن هم استمرار داشته باشد.

دکتر رفیعی: قرآن کریم در سه مرحله تحدّی (به مبارزه طلبیدن) کرده است:

۱. ابتدا همگان را به آوردن کتابی به مانند قرآن دعوت می‌کند؛ [7]

۲. در بخشی دیگر همگان را به آوردن «ده» سوره مثل قرآن دعوت می‌کند؛ [8]

۳. در نهایت از مردم می‌خواهد که «یک سوره به مانند قرآن بیاورید.» [9]

از قدیم، این بحث بین دانشمندان علوم قرآنی مطرح بوده است که آوردن یک سوره مثل قرآن، از چه جهت است؛ فقط از جهت بلاغت و فصاحت است، یا سایر وجوه را هم در خود جای می‌دهد؟

اعجاز علمی، یعنی آنچه که قبلاً در نقطه‌ای از جهان مطرح نشده باشد؛ یکی از موارد اعجاز قرآن را اشمال بر تاریخ گذشتگان می‌دانیم؛ مانند داستان حضرت یوسف (ع) [10] و حضرت موسی (ع) [11] که یقیناً این داستان‌ها در گذشته، در تورات و انجیل، و بین مردم، معروف و مطرح بوده است.

ما باید در این جا یک اصول مبنایی را قبول کنیم، سپس وارد بحث اعجاز علمی و رابطه‌ی آن با تفسیر علمی شویم، و آن اصل مبنایی عبارت است از این که قرآن از جانب خدا بر یک شخص اُمّی که خواندن و نوشتن نمی‌دانسته، نازل شده است. وقتی این اصل را مسلم گرفتیم، رابطه‌ی تفسیر علمی با اعجاز علمی روشن می‌گردد و آن این که، کلیه‌ی آیاتی که بیان‌کننده‌ی مطالب و اخبار و گزاره‌های علوم تجربی است - که در حال حاضر، یا در آن زمان، هیچ مطرح نبوده یا به صورت کم‌رنگ و غلط در جای دیگر مطرح بوده است - توسط رسول گرامی اسلام، در قالب آیاتی که بر او نازل گردیده، مطرح شده است.

مرحوم آیه‌الله خویی (ره) در مورد اعجاز قرآن می‌فرماید:

قرآن در آیات زیادی، از قوانین هستی و رموز طبیعت، اجرام آسمانی و موضوعات دیگر، بحث‌های زیادی نموده است؛ به طور مسلم، اطلاع از چنین سنن و قوانین، جز از طریق وحی امکان نداشت. [12]

---

[1]. سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۲۳.

[2]. ابولقاسم خوئی، مرزهای اعجاز، ترجمه‌ی جعفر سبحانی، ص ۱۱۵.

[3]. سوره‌ی یس، آیه‌ی ۳۶.

[4]. سوره‌ی زخرف، آیه‌ی ۱۲.

[5]. محمد علی رضایی اصفهانی، پژوهشی در اعجاز علمی قرآن.

- [6]. سورهی نمل، آیهی ۸۸
- [7]. سورهی طور، آیهی ۳۴
- [8]. سورهی هود، آیهی ۱۳
- [9]. سورهی بقره، آیهی ۲۳
- [10]. سورهی یوسف، آیات ۴، ۷، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۷، ۲۹
- [11]. سورهی بقره، آیهی ۵۰ - ۲۴۸
- [12]. البیان، ص ۷۲

نظر کسانی که منکر وجود آیات علمی در قرآن‌اند، در این زمینه چیست؟  
دکتر رضایی: آنها عمدتاً چهار اشکال آورده‌اند:

۱. مطالب علمی ثابت می‌کند که قرآن از طرف خدا نازل شده است؛ اما معجزه‌ی قرآن را ثابت نمی‌کند؛
۲. در تمام سوره‌های قرآن اعجاز علمی وجود ندارد، در حالی که باید اعجاز در تمام سوره‌ها باشد؛
۳. اعجاز علمی، مخصوص اهل علم و اهل تخصص است و افراد عادی این مطلب را متوجه نمی‌شوند؛
۴. این مطلب با مبحث تفسیر علمی قرآن مخلوط شده است. [1]

پاسخ اشکال اول: قرآن کریم با تورات و انجیل فرق دارد؛ تورات، انجیل و قرآن از طرف خدا نازل شده‌اند؛ لکن قرآن معجزه است، ولی تورات و انجیل معجزه نیستند؛ به عبارت دیگر، قرآن دو چیز را اثبات می‌کند: ۱. قرآن کلامی الهی است؛ ۲. قرآن معجزه‌ی پیامبر اسلام (ص) است؛ یعنی اگر کسانی می‌توانستند مثل تورات و انجیل، بیان و آیه‌ای بیاورند. لکن همانند قرآن نمی‌توانند بیاورند. پس قرآن رازگویی‌های علمی دارد که کسی نمی‌تواند در طول زمان مثل آن را بیاورد.

منظور شما تورات و انجیل تحریف شده است یا تورات و انجیل اصیل؟ به نظر می‌رسد، همین که تورات و انجیل اصیل، کلام الهی بوده است و خداوند نیاز دانسته است که آن را برای بشر بیان نماید دلیل بر این است که خود بشر نمی‌توانسته به آن برسد، نظر شما در این زمینه چیست؟

دکتر رضایی: در این جا دو مطلب وجود دارد:

۱. گاهی گفته می‌شود که مثلاً عقل عادی بشر به چند فرمان تورات نمی‌رسد؛
۲. گاهی گفته می‌شود که در تورات، رازگویی‌های علمی‌ای که هنوز کشف نشده است وجود دارد و آنها اعجازند. ما قایلیم که قرآن کریم، دارای چنین مطالب علمی و نیز فصاحت و بلاغت است؛ هم‌چنان که خود قرآن این ادعا را دارد و دیگران را به مبارزه می‌طلبد، ولی تورات و انجیل فعلی این‌گونه نیستند.

پاسخ اشکال دوم: در اشکال دوم گفته‌اند که مطالب اعجاز علمی در همه‌ی سوره‌ها نیست، در حالی که «تحدی» قرآن در مورد تمام سوره‌های قرآن است. باید گفت که در مورد

همه‌ی ابعاد اعجاز قرآن این نکته وجود دارد؛ مثلاً آیا در تمام سوره‌های قرآن، در مورد اخبار غیبی و یا قوانین عالی و محتوای عالی قرآن که جزء وجوه اعجاز قرآن است، مطالبی وجود دارد؟ در پاسخ می‌گوییم: خیر، بسیاری از مطالبی که در وجوه اعجاز قرآن گفته شده است، همانند مسئله‌ی اعجاز علمی، در همه‌ی سوره‌ها نیست؛ پس اعجاز علمی با کل قرآن سنجیده و اعلام می‌شود.

جوابی که داده شد جوابی نقضی است، به نظر می‌رسد جواب دیگری نیز می‌توان داد و آن این که وقتی ما می‌گوییم قرآن از این ابعاد معجزه است، یعنی مجموع قرآن دارای اعجاز است؛ نظر شما چیست؟

دکتر رضایی: ممکن است بعضی از نکات علمی قرآن هنوز کشف نشده باشند و بعدها کشف شوند؛ از طرف دیگر، لازم نیست که وجوه اعجاز در تمام سوره‌ها باشد؛ زیرا همان طوری که گفته شد، بعضی از احکام و قوانین غیبی و عالی در تمام سوره‌ها نیست؛ بنابراین، در بحث اعجاز علمی، قرآن در مجموع معجزه است.

پاسخ اشکال سوم: در اشکال سوم مطرح نمودند که اعجاز مخصوص اهل علم و متخصصان است و ممکن است مردم عادی، متوجه این مطلب نشوند. این مطلب ممکن است در مورد بقیه‌ی وجوه اعجاز قرآن نیز گفته شود؛ مثلاً آیا فصاحت و بلاغت قرآن را که یکی از اصلی‌ترین مباحث اعجاز قرآن است، تمام بشر متوجه می‌شوند؟ جواب منفی است؛ شخص باید ادیب باشد تا فصاحت و بلاغت قرآن را متوجه شود. بحث اعجاز علمی قرآن نیز همین طور است.

پاسخ اشکال چهارم: اما اشکال چهارمی که مطرح کردند این که ممکن است تفسیر علمی با اعجاز علمی مخلوط شود. اگرچه این خلط ممکن است، لکن باید توجه نمود که بحث اعجاز از بحث تفسیر علمی جدا شود؛ زیرا هدف تفسیر علمی، روشن کردن مقاصد و معانی آیات قرآن است؛ هر چند ممکن است گاهی یکی از اهداف تفسیر علمی هم، اثبات اعجاز علمی قرآن باشد.

#### عدم استقبال از تفسیر علمی طنطاوی

به چه دلیل تفسیر طنطاوی مورد استقبال واقعی قرار نگرفته است؟

دکتر رفیعی: طنطاوی از دانشمندان قرن سیزدهم هجری در مصر است. در تفسیر الجواهر - که بیست و شش جلد است - و در کتاب القرآن و العلوم العصریة، مطالب علمی زیادی را مطرح کرده است. اولاً ایشان در این تفسیر، علم‌زده و منفعل واقع شده و به نظر خودش، با نیت خیر کار خود را آغاز کرده و قایل است که مسلمانان باید برای دفاع از قرآن و اسلام در مقابل تمدن مهاجم غرب به علوم جدید مسلح شوند؛ لکن به حدی شأن علوم طبیعی را بالا برده است که در مقدمه‌ی تفسیر جواهر می‌گوید:



علوم طبیعی، همان علم توحید، همان علم دین، همان حب خداوند، رسیدن به خدا، پیشرفت ملت‌ها و دوستی خداوند، خشیت از او، ترقی ملت‌ها در دنیا، برتری آنها در آخرت از نظر مقام، رسیدن به لقاءالله، بهره‌برداری از نظر وجه الهی است و رسیدن به تمام این‌ها با این علوم امکان‌پذیر نیست. [2]

به قول ذهبی:

تفسیر طنطاوی بیش از آن که مورد قبول واقع شود، مورد نقد و خشم و اعتراض واقع شد. [3] و به تعبیر دکتر «فهد رومی»:

طنطاوی در این تفسیرش، تصاویر فراوانی از افلاک، سیارات، خورشید، ماه، آب‌ها، درختان، حشرات، ماهی‌ها، گیاهان، اجزای بدن انسان، جدول‌های ریاضی، شیمی، فیزیک، فلکی و نقشه‌های جغرافیایی را می‌کشد و بیش از آن که متوجه این باشد که مراد آیه را بیان کند، استشهادش به همین مسائل، یعنی تصاویر و جدول‌های کتاب هزار و یک شب و کلیله و دمنه و جمهوریت اخوان الصفا و مطالب انجیل و تورات، و... بیش از آن چیزی است که از خود آیات استفاده می‌شود. [4]

به قول یکی از نویسندگان معاصر که می‌گوید:

اگر چه نگارش طنطاوی، علمی و علم‌آلود است، ولی نگرش طنطاوی علمی نیست. طنطاوی، در این تفسیر، آنچه که باید در تبیین آیات علمی داشته باشد، افراط نموده و این تفسیر را از مطالبی پر کرده که بعضاً شبه علمی است و نمی‌توان آنها را علمی خواند، دلیل مخالفان هم ممکن است همین باشد. [5]

ذهبی می‌گوید:

الجواهر، دایرة المعارف علمی است که در آن از هر علم و فنی، به مقدار زیاد سخن گفته شده است.

و در جای دیگر می‌گوید:

همه چیز، غیر از تفسیر، در آن می‌باشد. [6]

بنده تحت چند عنوان، ویژگی‌های تفسیر طنطاوی را بر می‌شمارم:

۱. تکیه‌ی بیش از حد بر علوم تجربی، علم‌زدگی و ثابت پنداشتن فرضیه‌های علمی.

در تفسیر حروف مقطعه‌ی قرآن مطالبی دارد که اصلاً نمی‌توان از قرآن دلیل بسیار قوی برای آن یافت؛ مثلاً در تفسیر سوره‌ی مبارکه‌ی «طه» می‌گوید:

«دو عبارت «ط» و «ه»، رمزی برای بررسی دروس علوم ریاضی، طبیعی و نجوم است؛ در حالی که هیچ ارتباطی با این دروس ندارد. یا در ارتباط با تفسیر «الف، لام، میم» در آغاز سوره‌ی مبارکه‌ی بقره می‌گوید:

این حروف به جهاد و علوم طبیعی اشاره دارد.

یعنی در سوره‌ی بقره دو چیز وجود دارد: یکی جهاد و دیگری علوم بشری، که خداوند متعال قبل از شروع سوره، در غالب عبارت «ا، ل، م»، به آن اشاره کرده است، این ادعا رد شده است؛ زیرا به موضوع اشاره نکرده است. یا در بحث «خَلَقَ الْجَانَّ مِنْ مَارِجٍ مِنْ نَارٍ»، بحث ترکیب نورهای هفت‌گانه و شعله‌های لرزان و... را مطرح کرده [7] و این فرضیه‌های ثابت نشده را به قرآن تحمیل نموده است.

۲. در تفسیر ایشان، تفسیر به رأی و به کار بستن سلیقه و نظر شخصی وجود دارد. در موارد بسیاری، ایشان دیدگاه‌های فردی خود را بر یک آیه تحمیل کرده و منجر به تأویل شده است.

۳. در تفسیر ایشان، خودباختگی در برابر فرهنگ غرب وجود دارد؛ هر چند به جهت دل‌سوزی مسلمانان است. ایشان قایل است مسلمانان باید در مقابل فرهنگ غرب مجهز باشند و یکی از راه‌های تجهیز را تفسیر قرآن بر اساس علوم روز و ایستادن در مقابل دانش امروز غرب می‌داند. این مطلب صحیح به نظر نمی‌رسد.

۴. ایشان، هدف اصلی قرآن را، که هدایت و تربیت بشر است، فراموش کرده و بیش‌تر به مباحث علمی، مانند علوم فقهی و مباحث شبه علمی و فرا روان‌شناسی پرداخته است. بسیار تحت تأثیر تحلیل هیپنوتیسم و احضار ارواح قرار گرفته است؛ اما درباره‌ی توحید، و آیات اخلاقی، به یک تفسیر لفظی، شرح مفردات و ترجمه‌ی ساده اکتفا کرده است.

۵. بحث‌های علمی را اصل و آیات را فرع قرار داده است.

۶. برداشت‌هایش، که ناشی از همان تطبیق ایشان است، با قرآن کریم ناسازگار است. قرآن کریم آیات را مکمل یک‌دیگر دانسته و اختلاف در آن را رد نموده است؛ اما برداشت‌های ایشان منجر به اختلاف شده‌اند.

۷. مطالب بی‌ارتباط با تفسیر، مانند مناظر طبیعی، حیوانات، تصاویر و... در آن وجود دارد؛ لذا احمد حنفی می‌گوید:

گرچه من تلاش پاک و صادقانه‌ی مرحوم استاد طنطاوی را ستایش می‌کنم، ولی وی در بیان علوم مختلف، زیاده‌روی کرده است، تا آن‌جا که از حدود معانی آیات تجاوز نموده

است. [8]

یکی از دانشمندان معاصر نیز می‌گوید:

اگر کسی مختصر آشنایی با قرآن و ترجمه‌ی آن داشته باشد و وارد تفسیر طنطاوی شود، می‌بیند که او به شدت در برابر فرهنگ غرب، به جای دفاع، به خودباختگی مبتلا شده است.<sup>[9]</sup>

دکتر رضایی: در مورد تفسیر طنطاوی یک نکته‌ی اساسی وجود دارد که ممکن است ریشه‌ی مشکلات تفسیر او در همین باشد. ما بحثی با عنوان تفاوت بین روش تفسیر و گرایش تفسیر داریم؛ روش تفسیر این است که مطالب علمی را در خدمت آیات علمی قرآن دهیم و برای فهم بهتر قرآن استخدام کنیم؛ اما گرایش تفسیر علمی این است که مطالب مختلفی را جمع کرده و داخل تفسیر قرار دهیم؛ در حالی که ممکن است ارتباط چندانی با آیه نداشته باشد و تفسیر آیه را روشن‌تر نکند. در حقیقت، تفسیر طنطاوی از جمله تفسیرهایی است که داخل گرایش تفسیر علمی قرار می‌گیرد؛ یعنی طنطاوی برای فهم بهتر آیات قرآن، از مطالب علمی استفاده نکرده است، بلکه انباری ساخته است که مطالب مختلف علمی را به صورت دایره‌المعارف، داخل آن قرار داده است.

---

[1]. ر.ک: محمد علی رضایی اصفهانی، درآمدی به تفسیر علمی قرآن، ص ۱۶۸ - ۱۷۸.

[2]. طنطاوی، تفسیر جواهر، ج ۱۷، ص ۱۷.

[3]. ذهبی، همان، ج ۲، ص ۵۶۶.

[4]. فهد رومی، انجاهات، ج ۲، ص ۶۵۰.

[5]. بهاء‌الدین خرمشاهی، تفسیر و تفاسیر جدید، ص ۱۰۸.

[6]. ذهبی، همان، ج ۲، ص ۵۵۶.

[7]. ر.ک: طنطاوی، تفسیر الجواهر.

[8]. احمد حنفی، التفسیر العلمی الایات الکوئیه فی القرآن، ص ۷.

[9]. محمد تقی مصباح، جهان‌شناسی، ص ۵.

## عوامل روی کرد به تفسیر علمی

با توجه به این که تفاسیری مانند تفسیر طنطاوی مورد نقد قرار گرفته‌اند، ولی می‌بینیم که در قرن‌های اخیر، استقبال بیش تری از تفسیر علمی شده است و حتی تفاسیر جدید، بیش تر از تفاسیر قبلی به مسائل علمی پرداخته‌اند؛ به نظر شما عوامل و علل روی کرد به تفسیر علمی در قرن اخیر چیست؟

دکتر رضایی: عوامل مختلفی وجود دارد:

۱. زمینه‌ی اساسی، همان رشد علوم تجربی در قرون اخیر است.

از قرن (۱۶-۱۷م) علوم تجربی در غرب رشد نمود و از مصر و هند به کشورهای اسلامی آورده شد؛ مسلمانان از طریق ترجمه‌ها و مطالعات و افرادی که برای تحصیل به غرب می‌رفتند، با این مسائل آشنا شدند. وقتی این مطالب وارد کشورهای اسلامی شدند و در کنار آیات قرآن و روایات و احادیث قرار گرفتند، نگرش نوینی برای مطالب و آیات قرآن پدید آمد و مسلمانان دریافتند که با استفاده از بعضی از این مطالب و با پیروی از روش صحیح می‌توان مطالب و آیات قرآن را بهتر فهمید؛ یعنی منجر به استخدام علوم در فهم قرآن می‌شود. بر این اساس گروهی از مفسرین برای روشن کردن آیات قرآن، از مطالب جدید و قطعی و ثابت شده‌ی علمی بهره می‌گیرند.

۲. دفاع دانشمندان اسلامی از قرآن و اسلام با طرح انطباق قرآن با علوم تجربی؛ دانشمندان خواسته‌اند نشان دهند که قرآن قرن‌ها قبل به بسیاری از مطالب علمی، اشاره کرده است و با علم مخالف نیست. البته در این زمینه افراط‌هایی صورت گرفته است که نمونه‌ی آن تفسیر طنطاوی است.

۳. مسئله‌ی اثبات اعجاز علمی قرآن.

۴. انحراف برخی از مسلمانان؛ «علامه طباطبایی(ره)» در این زمینه می‌فرماید:

وقتی که اصالت حس در اروپا پیروز شد و یک نوع بی‌توجهی به ماوراء الطبیعه پدید آمد، بسیاری از منحرفین مسلمان که تحت تأثیر شدید این فرهنگ قرار گرفته بودند، برای انکار ماوراء الطبیعه، به سراغ قرآن و علم رفتند، و خواستند برخی از مطالب و معجزات قرآن را با توجیهات علمی توجیه کنند و به نحوی ماوراء الطبیعه را نپذیرند؛ برای این که از طرفی ماوراء الطبیعه را قبول نداشتند و از طرف دیگر، فرهنگ اسلامی و قرآنی بر کشورهای اسلامی حاکم بود، سعی کردند با نوعی از تحریف و التقاط، مسئله را حل کنند. [1]

مثلاً در سوره‌ی «فیل» که مسئله‌ی «سجیل» مطرح است، وقتی «ابابیل» آمدند و «سجیل‌ها» را انداختند و لشکریان ابرهه نابود شدند، برای توجیه مادی آن می‌گویند سجیل‌ها حاصل

بیماری و میکروب (آبله یا وبا) بوده‌اند و آن را بر سر لشکر می‌انداختند و فوری می‌مردند. [2]

در واقع این‌ها توجیحات مادی از معجزات پیامبران الهی است که در قرآن ذکر شده است. این خود یک نوع انحراف و عامل گسترش نوع غلط تفسیر علمی بوده است.

#### آثار مثبت و منفی تفسیر علمی

از سخنان شما این‌طور استفاده می‌شود که این تفسیر علمی دارای آثار مثبت و منفی است، به چند اثر مثبت و منفی اشاره بفرمایید؟

دکتر رفیعی: اگر معیارهایی که برای تفسیر علمی گفته شده است، رعایت نشود، آثار منفی به دنبال خواهد داشت و اگر آن معیارها و ضوابط رعایت شوند، آثار مثبت به دنبال خواهد داشت. اگر تفسیر علمی، به معنای اصل قرارداد آیات و فرع قرارداد علوم تجربی باشد و ارتباط آیات با علم، براساس ضوابط و قوانین مسلم باشد، هم‌اکنون مثبت است؛ اما اگر تفسیر علمی به معنای فرع قرارداد آیه و اصل قرار دادن فرضیه‌ها، و خضوع قرآن و آیات در مقابل داده‌های علمی باشد، طبیعی است که آثار منفی خواهد داشت.

آثار مثبت تفسیر علمی، پی‌بردن به یکی از وجوه اعجاز قرآن، مسئله‌ی مطرح نمودن قرآن در میان نسل جدید و کسانی که می‌خواهند با نگرش دیگری به آن بنگرند، مسئله‌ی شمول قرآن از جنبه‌های مختلف، پی‌بردن به عظمت شخصیت نازل‌کننده، پی‌بردن به جایگاه و حقایق دین است. آثار منفی نیز، موجب عدم اعتقاد به آیات قرآن می‌شود.

---

[1]. محمد حسین طباطبایی، تفسیر المیزان، ج ۱، ص ۷ - ۸.

[2]. محمد عبده، همان، ص ۱۶۱.

۱. قرآن.
۲. ابن فارس، احمد؛ معجم مقاییس اللغة، تحقیق عبدالسلام هارون، مكتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ ق.
۳. بوکای، موریس؛ مقایسه‌ای میان تورات، انجیل، قرآن و علم، ترجمه‌ی مهندس ذبیح الله دبر، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چ ۳، ۱۳۶۵ ش.
۴. جفری، آرتور، واژه‌های دخیل، ترجمه‌ی فریدون بدره.
۵. جمعی از دانشمندان؛ العدد الاول، رساله القرآن، قاره: انتشارات معارف، ۱۹۸۳ م.
۶. حنفی، احمد؛ التفسیر العلمی الآیات الکوئیة، مصر: دائرة المعارف.
۷. خرمشاهی، بهاء‌الدین؛ تفسیر و تفاسیر جدید، تهران: انتشارات کیهان، ۱۳۶۴ ش.
۸. الخولی، امین؛ التفسیر مصالح حیات، منهجة اليوم، طبعة جماعة الكتاب، ۱۹۴۴ ق.م.
۹. خوبی، سیدابوالقاسم؛ البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دارالزهراء، ۱۹۸۷ م.
۱۰. الذهبی، محمدحسین؛ التفسیر و المفسرون، بیروت: دارالقلم، چ ۱.
۱۱. رازی، فخرالدین؛ تفسیر کبیر، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۹۹۰ م.
۱۲. رضایی اصفهانی، محمد علی؛ درآمدی بر تفسیر علمی قرآن.
۱۳. رفیعی محمدی، ناصر؛ تفسیر علمی قرآن، تهران: انتشارات فرهنگ گستر، چاپ اول، مجلد ۲، ۱۳۷۹.
۱۴. رومی، فهد؛ اتجاهات، ج ۱، ریاض: ۱۴۰۷ هـ. ق.
۱۵. الزرقانی، محمدعبدالعظیم؛ مناهل العرفان فی علوم القرآن، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۹۹۶ م.
۱۶. الزرکشی، بدرالدین محمدبن عبدالله؛ البرهان فی علوم القرآن، بیروت: دارالفکر، ۱۹۸۸ م.
۱۷. سید قطب؛ فی ضلال القرآن، چ ۵، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۹۶۷ م.
۱۸. السیوطی، جلال الدین عبدالرحمان؛ الاتقان فی علوم القرآن، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۹۸۷ م.

١٩. الشاطبي، ابواسحاق؛ الموافقات في اصول الاحكام، چاپ مصطفى، بي تا.
٢٠. شحاته، محمود عبدالله؛ تفسير الايات الكونيه، قاهره: داراعتصام.
٢١. شلتوت، محمد؛ تفسير القرآن الكريم، ج ١١، بيروت: دارالشروق، ١٤٠٨ ق.
٢٢. طباطبائي، محمد حسين؛ الميزان في تفسير القرآن، بيروت: مؤسسة الاعلمي للمطبوعات، ١٩٩٧ م.
٢٣. الطبرسي، ابي علي الفضل بن حسن؛ مجمع البيان، بيروت: مؤسسة الاعلمي للمطبوعات، ١٤١٥ ق.
٢٤. الطنطاوي، جوهرى؛ الجواهر في تفسير القرآن، بيروت: دارالفكر.
٢٥. \_\_\_\_\_؛ القرآن والعلوم العصريه: مصر: شركة المصطفى، ١٣٧١ ق.
٢٦. عبده، محمد؛ تفسير القرآن الكريم، (جزء عم) مصر: الجمعية الحريه الاسلاميه، ج ٢، ١٣٤١ ق.
٢٧. غزالي، ابو حامد؛ احياء علوم الدين، بيروت: دارالفكر.
٢٨. \_\_\_\_\_؛ جواهر القرآن، دمشق: المركز العربي للكتاب.
٢٩. الفراهيدي، خليل بن احمد؛ كتاب العين، تحقيق از فخرومي و سامرايي، انتشارات اسوه، ج ١، ١٤١٤ ق.
٣٠. فكري، علي؛ القرآن ينبوع العلوم و الفرقان، دار احياء الكتب العربيه، ١٩٥١ م.
٣١. مدحت حافظ، ابراهيم؛ الاشارات العلميه في القرآن الكريم، قاهره: مكتبة غريب.
٣٢. مصباح، محمد تقى؛ معارف قرآن، جهان شناسى، قم: مؤسسه در راه حق، ١٣٦٢ ش.
٣٣. مظفر، محمدرضا؛ المنطق، قم: انتشارات اسماعيليان، ج ٥، ١٣٧٠ ش.
٣٤. مهاجرى، مسيح؛ نظريه ي تكامل از ديدگاه قرآن، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامي، ١٣٦٣ ش.
٣٥. نوري، حسين؛ دانش عصر فضا، قم: نشر مرتضى، ج ١، ١٣٧٠ ش.
٣٦. نوفل، عبدالرزاق؛ القرآن و العلم الحديث، بيروت: دارالكتب العربي، ١٩٧٢ م.



مراکز پخش:

قم: مدرسه‌ی عالی دارالشفاء، انتشارات مرکز مدیریت حوزه علمیه قم،

تلفن: ۷۷۴۸۳۸۳

قم: خ شهدا، ک ۱۹، پلاک ۴۵، مرکز مطالعات و پژوهش‌های فرهنگی

حوزه‌ی علمیه، تلفن: ۷۷۳۷۲۱۷.

قم: خ آیت‌ا.. مرعشی نجفی، پاساژ قدس، شماره‌ی ۸۲، انتشارات

بنی‌الزهرا (س)، تلفن: ۷۷۳۲۷۳۰.

تهران: خ انقلاب، روبروی دبیرخانه دانشگاه، ساختمان امیرکبیر، (کتب

جیبی)، طبقه سوم، واحد نه، مؤسسه‌ی فرهنگی دانش و اندیشه معاصر،

تلفن: ۶۴۹۲۶۹۳

ارائه این نسخه از کتاب تهیه شده در فضای مجازی (اینترنت) مجاز می باشد